

شماره اول  
از مجموعه  
فرزاد ۱۳۹۱  
۶۴ صفحه  
۳۰۰ تومان

# اندیشه‌های پیوپا



کتاب و رایج

## و پولیسم بد است؟

بزرگ‌اندیش ایرانی، نویسنده برجسته و فاضله ایرانی

# برایعتی صادر شد

کوه‌هایی بار و شفقگران ترک، افغان، تاجیک و عصری

می تصویر بی از خانه و وسایل شخصی بدگتر

ای از آصف، بیات، شریعتی و عازکنش

خاموشی یک ابوز سیمو

یورینده‌های بی‌ناله و کول خیزه‌های  
تقصیر با کفران سبک

با آرزوی  
افغانی‌های، خاکی، بهروز و عوس سبک



کتاب گروهی

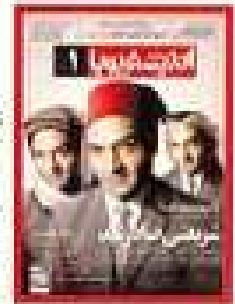
استالین مخوف، با تدبیر ای گزاره گناهانم

گاو نامه یک مبر جیم

گفت و گوی سر و ش دیباغ یا حسن گامشاد

از ویلا آفرین  
ای تصویر از ترک‌اندیش، شفقگران ترک، افغان، تاجیک و عصری  
می تصویر بی از خانه و وسایل شخصی بدگتر  
ای از آصف، بیات، شریعتی و عازکنش

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فراخ حله، مدیر انتشارات

## اندیشه پویا

دوماهنامه سیاسی فرهنگی  
با روش‌های انقلابی، تحلیلی و آموزشی

سازنده: امیر کاتب  
بر اساس: سعدی راد

### سردبیر

رضا شمس‌مهر حسینی

### انتداریان سردبیر

علی جزوکیان و سعید شمسینی

### تحریریه

علی کولوبی (مدیر)

سید کاظمی (مدیر)

سعید شمسینی (مدیر)

علی جزوکیان (مدیر)

فرزاد شمسینی (مدیر)

کامران شمسینی (مدیر)

امیر کاتب (مدیر)

سعید شمسینی (مدیر)

فرزاد شمسینی (مدیر)

سعید شمسینی (مدیر)

فرزاد شمسینی (مدیر)

سعید شمسینی (مدیر)

فرزاد شمسینی (مدیر)

### ادبیه

مدیر: سعید شمسینی

مدیر: سعید شمسینی

مدیر: سعید شمسینی

مدیر: سعید شمسینی

مدیر: سعید شمسینی

### سفر اجرائی

مدیر: سعید شمسینی

مدیر: سعید شمسینی

مدیر: سعید شمسینی

مدیر: سعید شمسینی

### انتشاری

تولید: سعید شمسینی

تولید: سعید شمسینی

شماره: ۴، واحد: ۳۳

تلفن: ۸۸۸۸-۸۸۸۸

## چراغی برای روشنگری

تولد یک نشر به نور آگاهی رایج جامعه من تاباند

به کوفته تاریخ در قرن بیستم میلادی (۱۹۲۶) نخستین دستگاه چاپ (نهاد فرهنگ مکتوب) در ایران آغاز به کار کرد و بعد از گذشت دو قرن این تکنولوژی وارد ایران شد. این در حالی است که اولین دستگاه رادیویی (نهاد فرهنگ شفاهی و شنیداری) در انگلستان و در سال ۱۹۲۰ میلادی اختراع و آغاز به کار کرد و تنها با گذشت دو دهه (۱۹۴۰ میلادی) اولین فرستنده رادیویی ایران فعالیت خود را آغاز کرد. اگر از نقاط شگافی مانند نقل اشعار، اسامه‌های باستانی، اساطیر، نمایش‌های پهلوانی و تخریب‌خواری قبل از پیدایش صنعت چاپ را در ایران در نظر داشته باشیم و سپس دستمای سرچ ایران به فرستنده رادیویی را مورد توجه قرار دهیم، دلایل روشنگری تاریخی که اینس جامعه ایران را به فرهنگ شفاهی و شنیداری خواهیم یافت.

فرهنگ شنیداری ویژگی‌ها و شاخص‌های خاص خود را دارد که پرداختن به آن از حوصله این بحث خارج است. بنا بر این حال شفاهی‌نگری، دسترس به منابع غیر قابل اعتماد و خرابی از حداقل‌های فرهنگ شفاهی است. اینکه هنوز جامعه ایران نه به فرهنگ مکتوب بلکه به فرهنگ شفاهی و شنیداری تعلق خاطر دارد از آمار و اطلاعات مربوط به سرانه مطالعه و تیراژ کم انتشار کتاب و نشریات جدی در کشور قابل اثبات است.

با استناد به همین دلایل، بهیچ و روشنی تولد و انتشار یک نشر به اهمیت در و نقضی‌گرایی‌های روزگزاران گامد و چاپ در نوع خود معجزه و شایسته توجه است. چراکه تولد یک نشر به مثابه در پرتوهای است که نور آگاهی، ضرورتی و عقلانیت رایج جامعه نشانه آگاهی من تاباند و فرضی است برای فرهنگیان، روشنفکران و اندیشمندان تا با ترک صحیح از زمان و موقعیت خویش تحویل درستی از وضعیت موجود در راستای هدایت جامعه به سمت آرمان‌ها و ایده‌آل‌های مطلوب داشته باشند. انتشار یک نشر به در همین حال مروج فرهنگ روشنگرانه مکتوب در جامعه ایرانی است تا سهمی هر چند اندک در گذر از فرهنگ شفاهی داشته باشد.

در شرایط امروز که به نظر می‌رسد از نقاط قشر روشنفکر و فرهیخته جامعه با نود درصد، حتی با نشر تحصیلکده جامعه به حداقل ممکن رسیده، مجله اندیشه پویا با این هدف و امید پایه عرضه فرهنگ مکتوب کشور می‌گذارد. با حلال نشی از گسست بین فرهنگیان و روشنفکران جامعه را با مخالفین و دشمنان عقلانیت و آگاهی در حد وسیع و توان خویش کاهش دهد.

به همین منظور با حداقل شناخت خود به میان شما اندوایم تا با امکانات حداقلی برای روشنگری، با حفظ احترام به همه آرا و اندیشه‌ها، چراغی برای روزی معتقدیم که حقیقت در انحصار یک فکر، طوطی با گروه نیست و از برخورد و تضارب آراست که افتاب حقیقت بر می‌تابد و رخ می‌نماید و لذا این حق را نیز برای همه متفکران، اندیشمندان و صاحب‌نظران جامعه قائلیم تا نظرات مثبت و راهگشای خود را با ما و این نشر به در میان گذارند. باشنده که هر حد اندیشه اندیشمندان را پاس ندارد و در جهت ارتقای فکری و اخلاقی جامعه خود گام‌های مؤثری بردارد.

مدیر مسئول

برات الله سعدی راد

# شیدریک



یادداشتی شریعتی

## «زندگی روزمره»

### یادگارهای دکتر

۶۲ | گشتی در خانه شریعتی

## «روشنفکری بدون مرز»

### جهان شریعتی در شدن جهانی

۶۵ | احسان شریعتی

### شریعتی صادر شد

۶۶ | حسین نازلی آیدین - روشنفکر ترک

شاهز آیدین - روشنفکر ترک

مصطفی اللما، روشنفکر مصری

سیف‌الله ملاجان - روشنفکر تاجیک

عبدالطیف پدیرام - روشنفکر افغان

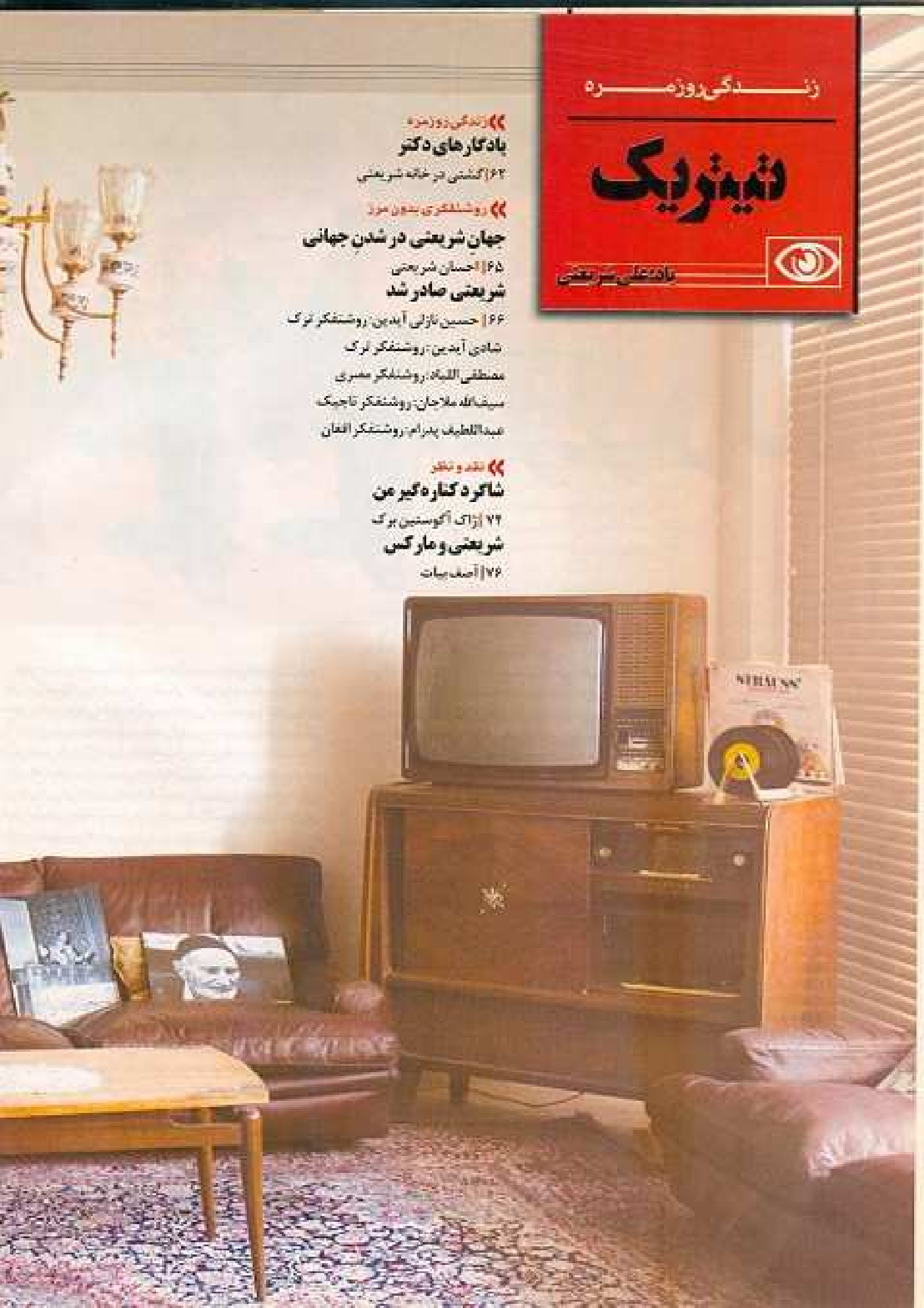
## «نقد و نظر»

### شاکر دکاره گیرین

۷۲ | ازاک آکوسئین برک

### شریعتی و مارکس

۷۶ | آصف بیات



# دکتر و خانه شماره ۹

روایتی از یک دیدار: خانه علی شریعتی و باقی مانده‌های زندگی روزمره اش

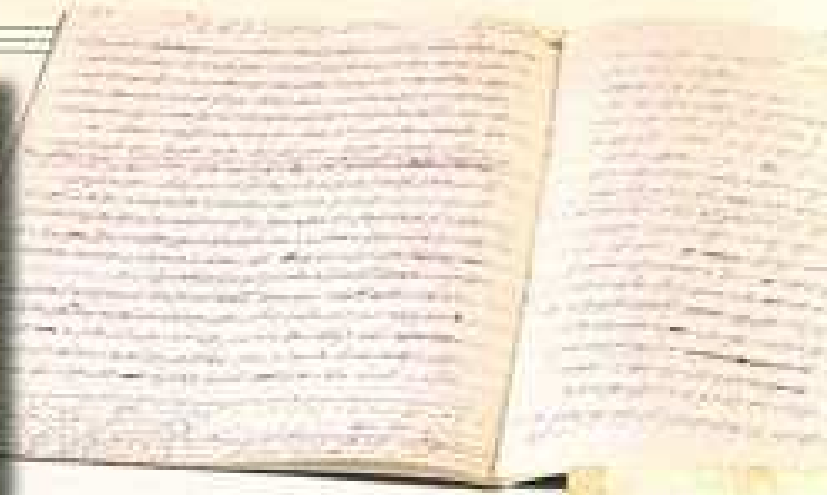


مزین شریعتی

شماره ۹، کوچه ناصر، خیابان جمالزاده، آترس آشنایی نیست اما نابگوی آشنایی دارد. «خانه شماره ۹» دکتر علی شریعتی، آخرین خانه‌ای که علی شریعتی در آن زیست. نامه‌هایش به احسان و پشت و قصه حسین و محبوبه را خوشساز و انقلابی راهم در همین خانه نوشت. در اتاق کار کوچک و دودگر فیه از بستکارهای بیابانی، نشسته بر زمین و سماور و سینی چای در کنارش و نکیه زنده بر عیز نجر بری که هیچ‌گاه نتوانست یادداشت که پشت آن بنشیند و بسوزد. سال ۱۳۵۲ بود سالی سخت برای علی شریعتی و خانواده‌اش. حسینیه‌ار شد بسته شدند دکتر مخطی شده و خانواده همچنان ساکن مشهد بود. پوران خانم عزم جرم می‌کنند برای نقل مکان به تهران و در عیاب علی شریعتی، یکی از دوستان دست به کار می‌شود و این خانه را پیدا می‌کند. شانس هم با خانواده شریعتی همراه می‌شود و مالک ساختمان که تیار صرم به پول دارد، خانه را از بر قیمت و به بهای ۳۰۰ هزار تومان می‌فروشد. خانه مشهد هم به قیمت ۱۸۰ هزار تومان به فروش می‌رود و با فرضی و قسط باقی پول فراهم می‌شود و پوران خانم و بچه‌ها ساکن تهران می‌شوند. علی شریعتی اما از همان اول که خانه را دید

روی گوش کرد و آن را بیسندید. گلابه داشت و می‌گفت: «این خانه بزرگ است و زیادی لوکس، اصلاً طاقوتی است...» اما خانه را پس نبود و چای تعجب هم نداشت که در خر بد لوازم و چیش خانه نقشی نداشته باشد. خانه بزرگ بود و نفس‌اش را تنگ می‌کرد. خلق می‌گفت این اما یک هفته بیشتر دوام نیاورد و از آن خانه بزرگ به سلول کوچک زندان منتقل شد و دو سال بعد که بازگشت به کوچه‌کتری بن اتاق خانه پناه برد و تدبیرش کرد به اتاق کار علی شریعتی تنها دو سال در خانه‌ای که داشت به آن نبود زندگی کرد. خود سالی که به اجبار خانه نشین بود، احسان هم ایران نبود و دانشی دکتر افزون در هجوم دل‌تنگی‌ها بود که شب‌ها بیخ را دیو را می‌چرخاند و روی موج موسیقی‌های قدیمی ثابت می‌کرد و آنگاه دکفه ضبط صوتی را که مادر بزرگ به عنوان هدیه از نواج برایش از مغان داده بود، فشار می‌داد و آهنگ و تفسیری ضبط می‌کرد و همراه یک مسافر می‌فرستاد برای احسان در آمریکا و بلژر روزگار این که فرزندان او نیز چندسالی است گلابه دارند و پای به خانه پدری نگذاشته‌اند. خانه شماره ۹ در کوچه ناصر خیابان جمالزاده که حالا تبدیل به موزه شده، اگر چه خاطرات زیادی را برای همسر و فرزندان علی شریعتی تداعی می‌کند اما هیچ‌گاه مادر خوانست آنها برای امارت‌اش به شکل هیات امنایی موافقت نشد و حالا چند سالی می‌شود که پوران خانم، احسان، موسی، سارا و هونا در سایه درختان حیاط خانه نشستند و از گذشته‌ها می‌گویند.





### کتاب سبز شاددل

شریعتی با خلق شخصیت به نام  
شاددل از جمله شمع مختلف شریعتی  
مزینش علی از دفترهای خاکستری و  
دفترهای سبز او یاد می کند که در حقیقت  
رنگ های کلاسورهایی است که او عادت داشت  
قرآن نوشته های تنهایی اش را بنویسد.

بی نظمی تو نوشتن  
هر وقت یکی از نزدیکان  
شریعتی او بر هوس کلمه و  
فتری که می یافت در هر  
نوشه و کشای می نوشت  
این بی نظمی را در شکل  
نوشتن او هم می توان دید.

### توربین برای احسان

توربین برای هر کاری هشت میلیمتری  
را علی شریعتی به همراه چند حلقه از  
فیله های چارلی چارلین در سفر حج  
برای احسان خرید شاید با این نیت که  
پس از رسیدن به عراق بدهد کند احسان به  
سینما و بازی های علاقه مندانشانها  
فیله های که از علی شریعتی باقی مانده  
و او را هنگام آزادی از زندان با قدم زدن  
با پدر در حیاط خانه نشان می دهد را  
احسان با همین توربین گرفته است.



### روی موج موسیقی

دکتر اهل گوش دکن به رادیو بود اما هر رفتارش به  
یاد ندارد که بعد از سال ۵۰ و خانه نشینی اجباری  
گاهی شب هنگام و نیمه های شب صدای موسیقی و  
آهنگ های قدیمی از آنتن دکتریه گوش می رسید  
از روی موج موسیقی که می شنیدند دیگر بخش

### از کت شلوار تا پیراهن شو جیب

مسوره های و خاکستری رنگ های مورد علاقه  
دکتر شریعتی برای کت و شلوار بود لباس هایش  
را همیشه حیاط می دوخت و حیاط هم کسی  
نیود جز آقای برزنجیان که اتفاقاً عضو کلان انجمن  
بود.



دکتر شریعتی فقط دو سال مجال زندگی در این خانه را با لذت فراوانی به چهرش و خانه نداشتند و خرید وسایل و چهرش کوارم همه با پوران خانم بود این چهرش های پوران علی شریعتی که به کنج خلوت آئین کار خود رسانده بود شاید کمتر مورد است کوار می نوشت

**گلر نامه بدون نام**  
 در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۶ شریعتی با گلر نامه‌ای به نام علی مرتضی  
 تهران را به مقصد بلژیک ترک کرد و پس از عبور از اقامت در بروکسل  
 به انگلستان رفت تا از همسر و فرزندانش که قصد پیوستن به او را  
 داشته‌اند استقبال کند. در این فاصله سفری نیز به فرانسه داشت و  
 سپس در شب ۳۶ خرداد به انگلستان برگشت و منتظر خانواده‌اش  
 ماند که قرار بود ۲۸ خرداد به مقصد انگلستان حرکت کنند. چند  
 روز پس از هجرت شریعتی از کشور، ساواک از صحبت او مطلع شد و  
 سخت به تکاپ و تلاش افتاد تا او را براند. سرانجام ساواک در اواسط  
 خرداد بی برد که شریعتی با گلر نامه علی مرتضی از کشور خارج  
 شده است.

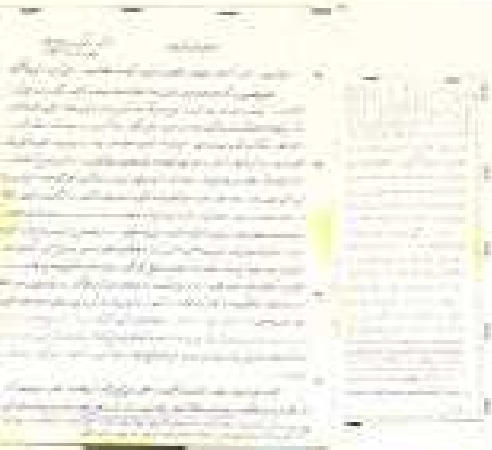


**دفتر شعر دکتر**  
 اینتلر این دفتر در لوئیس میل های  
 ۱۳۳۸ تا ۱۳۳۷ مسروته شده‌اند  
 شریعتی است و صحبت کرده که



نویسنده: سرتیپ عزیز وصیعت ناصح

علی شریعتی در آذرماه ۱۳۵۵ شش ماه قبل از مرگش و هفتاد و نه سالگی نوشته و به دست محمدرضا حکیمی سپرده است. خاتمه شریعتی پس از اطلاع از این نامه از محمدرضا حکیمی خواست که او نوشته‌ها و گفته‌های شریعتی را بنامه وصیعت باریسی کند اما حکیمی چنین نکرد و اصل نامه نیز به خاتمه باز نگرداند. شریعتی در این وصیتنامه بعد از شرح مسائلی که بر او رفته می‌رود می‌نویسد: «در خیرالمعایین منم که طرف نوشتن نامه‌ی کردار من بود. هنوز نوی کل و دستنویس هست. هنوز اصل جوان که همه نوشته‌های استعمال فر هنگی بر او بیخ و بنامد و می‌گانه کردن نوی به کار می‌رود. تصویبات حقیر منی را درازت و اکنون بدتر من شریعتی را که یک انسان ممکن است جان دچار شود من گفتیم و من نوشتم چیز بر گردانیدم از مرگ بنامم. با این همه چهار نفر این است که بنام من کلام را تصادم کن و بهتر بگویند. انشاء الله و این شریعتی است که دائره خواهد ماند.»



فاطمه علوی بزاد کیست

این تالیف هدی به این است به دکتر به تاریخ دی حجه ۱۳۳۹ توسط دوستی به نام فاطمه علوی بزاد به نظر می‌رسد که این نام یک نام مستعار است این دوست احتمالاً از خالقه و توجه شریعتی به فرهنگ بودیسیم بود. آنگاه بوده است شریعتی در نامه‌ی نوشته است «هنرمند نوی که ای که بگرگم به هند می‌رود و بگرگم به سیدنا و چرا و دلم پوشیده در پارس می‌تند و عقلم در حدیثه بوسی شده است و به طریقت کعبه مشغول است» در پشت این تالیف می‌خوانیم: «فدیه به یاد دکتر علی شریعتی که مصوبی معراج محمدرضا سلطان مولانا غربت بر مصدق خودی القابل عقل شرح سپهر پرستی، سفر روحانی از توفیر افسانه‌ها و شانه تنهایی هایدگور، از آفرین وجودی سار تر انسان کامل عین الفضا در مرده بیجا، در خواجه انسان تمام سار کس باغ مرده که التویان افلاطون، سیمرخ عطار، سیدای موسی، شای کر افسانه، آسمان عیسی، خلیفه‌ای اساطیر، هفت شهر تصوف آگه‌های فلسفه معاد مذهب زندلی تر، کر بلای شهناز، نخلستان علی و نیر و لیلی بودا را گذر کرد است فاطمه علوی بزاد، دی حجه ۱۳۳۹» یکی از نزدیکان شریعتی می‌گوید: «ایا ممکن است این متن توسط شخصی شریعتی در پشت این تالیفی اهدایی نوشته شده باشد؟ فاطمه علوی بزاد خود را نویست.»



کبیر پندی اثر که گو ده نام

علی شریعتی اوایل سبکگر هنر «من کشید و بعد هم هنر من» آنجری هاله او بنام سلیمان «من کشید و هر روز بیشتر از یک پاکت معروف بود که سبکگر با سبکگر روشن می‌کند و گاهی با خنده می‌گفت: «کبیر پندی اثر که گو ده نام» یکی از آنکه پور آن خاتمه سبکگر او را در تالانت بعد از ۱۰ دقیقه علی شریعتی می‌سنگار می‌گفت و این پاسخ و اکتفا از پوران خاتم که خندیدی نگشیدی و چیزی نشد. اما پاسخ او به پوران را اهدا می‌کنید که گفت: «هنرمند کشید و پوری ندیدی چه کشید.»



شعر نوح و نوحانی

بهره‌های شطرنج ساخته در کنز در تهران، شریعتی در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۸ در زندان گنبد مشرف ترک شد. خرابکاری در سلول اهرامی بود او در تنهایی هفتاد به کمک خمیر نان و دوده‌های دیوارهای سلول، این بهره‌های شطرنج را ساخت. این بهره‌ها در خانه محمود شریعتی نگهداری می‌شوند.



مسکو نوح و روسی

قلمرو مسکو نوح را شریعتی در سال ۱۳۶۵ در مشهد برای خود ساختی و به قیمت بیست تالار خرید. در آن سال آموزش و پرورش این ماشین‌های روسی را به دلیل قیمت گزاف و کیفیت نازلش در اختیار فرهنگیان قرار داده بود و ده‌هشتین تکیه یکبار بیشتر از روسیه وارد شدند. در نتیجه هشتاد هشتاد ماشین ساخته شد و از همین رو نو ده‌ها در شهر مشهد و نوحه‌ها را می‌گرفت. هشتاد هشتاد ماشین روسی ساخته برای اثبات این مذهب‌ها که شریعتی تعالیات چینی و روسی دارد. پس از مرگ شریعتی این ماشین‌ها از سوی خاتمه او در اختیار یکی از خونیان شریعتی قرار گرفت اما سایر معاند و بدین ترتیب مسایل سال فر می‌شدند و شریعتی گرفت.



# جهان شریعتی در شدن جهانی

اشاعه یک تفکر و بزواک آن به زبان‌های گوناگون، نشانه تشخیص فرد مشرق که آدمیان هستند



احمد شریعتی

در جهان ماکرور، تنها راه برای یک فکر بین‌المللی شدن، اوسته و طرفیت فراتر رفتن از ابعاد قومی، فرهنگی، بزواکی، خود معیار، مدحش میزان شمول یک اندیشه است. گسترش پذیری یک پیام به‌یمنای به‌رسیت شناختن آن سوی دیگران است. و از آنجا که مقصود از هر بزواکی، به‌یمنی هتلی، شناسایی متقابل است، شایع‌اشاعه یک تفکر و بزواک و بازگویی آن به زبان‌های گوناگون، نشانی عمیق تشخیص دوره مشترک آدمیان نیز هست. منظور از این سخن البته این نیست که نقش خودمیت و پراکنده‌گویی بزواج‌پذیری یک فکر، مانند شیوع افکار عمومی در عصر رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی جهان گستر، ذیلی بر اعتبار و طرفیت یک بزواکی است. چه، به‌عکس، افکار عمومی عمدتاً به‌یمنی هتلی هتلی‌گری، هوزدهوا یعنی بی‌ریشه‌ها و تنها به‌یمنی‌ها گراچ می‌دهند. حال آن که سخن اصلی مانند هر بحث دیگر است که ریشه محکم در خاک یک فرهنگ، یک زبان، یک ملت، یک دین و یک تاریخ، داشته باشد. ولو به‌صورت چندگانه و متنوع آن. مراد از طرفیت بین‌المللی شدن یک اندیشه صلی، بارشعاری، مشخص و متعین و بومی و محلی، ناسرشد و بی‌شروعی و ریشه‌نابا بودن آن‌هاست. در عمق و سطح است که جایی به‌عنوان پیوسته.

لحم و کلام معلوم‌گونه علی شریعتی از سوادنامه‌های در تاریخ روشنفکری ما بوده است که تنها به‌لحاظ روان و رسانه‌پوشی شکل و نمون، بنا بر بل بیشتر به‌عبارت صریح و صمیمیت اندیشه و برخاسته بودن سخن از دل و از سر دوره مشترک طرفیت ترجمه و برگردان به زبان‌های گوناگون را در خود داشته است. برای اینکه در «حاری‌المنجین» بود بر اثر آن که او در مقام و از چشم برده، کشورپوز با کل‌گری از ایران و گزیده به اسلام و شیخ به تاریخ می‌نگرد و باقر از معانی عظیم و فرمان‌آفرین، و مسیر تلاطم شورش و مبارزه خودمطاران زیر ستم و استکبارش را برای آزادی از ریج انواع سلطه به تعبیر نوجوانی، همی‌بویید می‌نماید و به نقد می‌کند. «طبعی است که چنین رساله مانیفست‌واری قابلیت و پذیرش جهانی‌روا داشته باشد همین‌گونه است رساله «آزادی، نخستین آزادی» که وجه عشق‌ورزی است و بسیاری از هرهایی از «آزادی برای» و نیز نوشته‌هایی چون «معهده» و «گفتگوهای نهانی» که سفری است تمثیلی و فریادی، پس از «معهده» در «کوسر» که حدیث نفس و تجربه‌های مدنی و وجودی نوع انسان است. در کنار این نوشته‌ها و گفته‌های به‌استفلاج جهان‌شمول به آن دسته از مطالبی برخی خود به‌که ظاهری شیدا مذهبی و طبعی دارند و ممکن است برخی آنها را بر خورنده و حساسیت‌برانگیز برای عموم مسلمانان بدانند، چه رسد به خوانندگانی از ادیان دیگر یا غیردینی. از فضا سن خود بارها در جلسات چندمابیتی و چندمعه‌های شایع استقبال عمومی از تحلیل‌هایی چون «شیوع طوبی، شیوع سلوی» و «بندها با این استلال که اسلام نبوی همان شیوع طوبی است و اسلام اموی، همان شیوع سلوی» و به‌عکس کلی، ترجیح مکرر بر غیرمذهبی مصلحتی بر مشرق‌بین مفسد در جای‌جای مجموعه آثار دکتر.

عقل به‌عین شناخته‌هایی عالی انقیضه و میان شریعتی در جوانی زخودهای تاریخی ایران بود که بازتاب، آزا و توجه و ترجمه آثار او از همان استثناء و اوان انقلاب در دستور کار محیط‌های فرهنگی و فرهنگستانی قرار گرفت. نخستین ترجمه‌های مستقیم آثار شایع به زبان عربی و در لبنان ظاهر شد. هم‌زمان با برپایی مراسم بزرگداشت مطرفانی جهلم‌وی، در صورت خود این مراسم با حضور چند معانی

چون عرفات و دبیر شریفی (چپ) معاونت سابق و امام موسی صدر و... مانند گل جنبه‌های و هاین بخش آمریکایی-اسلامی هر بخشین تعد بین‌المللی به‌عین نوانه‌شناسی یعنی ایران نقش داشت. سپس بزواکی‌های دانشگاهی از راه سینه‌ها و عبودانه زبان انگلیسی به‌ویژه در آمریکا انتشارات خودی و حاکمان و به‌خصوصیت شدت این رشته از تحقیقات دانشگاهی این بود که از افلی چون جنب و بخش و به‌شدت‌وری‌ها و جزئیات راجح در میان فرهنگستان و معنی‌ایم از روحانیون سنتی با روشنفکران متجدد برای بحث و از منظر دیرونی وین طرفه‌تری به تحلیل می‌نشدند. هر فکر و حرکتی برای زنده و بروز مابین نیازمند نقد و بررسی است. مشاهده این میوه در مورد شریعتی تاکنون بیشتر در همین بزواکی‌های علمی یا کلامیک فراملی عملی شده است (مؤاد ناسازی چون تحلیل دکتر دشاریکان در کتاب «حرک انقلاب دینی چیست» به زمان فرانسه و فرژین و هت در اروپا و بی‌فکری ایران با به‌رینه شریعتی بحران هویت ایرانی و سوزگنیده‌ها را به‌دلیل گزینشی بودن از حاکمات نمی‌توان نقد‌های جامعه‌یالیست هر چند مورد توم به مراتب مستند و مستدل تر باشد.

طی سه دهه گذشته برخی از کشورها از مرکز توجه و ویژه به آثار دکتر شریعتی بوده‌اند. در رأس این کشورها ترکیه و کشورهای بالکان (قرار دارد کشور های عربی با وسایل در حین فرهنگ، مانند لبنان و مصر و... کشور های حظه‌اندوزی «ماری» و... در ترجمه‌های این همه به‌دلیل رشد حشش نوگرایان اسلامی در این کشور های جغرافیایی متفاوتی است. شاید مهم‌ترین تجربه و چشم‌انداز در این میان، نسل جوان مسلمان اروپا باشد که در جست‌وجوی یافتن روایی نو و اقلیل فزوح و تطبیق‌پذیری با مقتضیات حق و علم و زمان است.

شناخت کلی یک اندیشه و فرک کامل یک پروژه فکری و خوانشی در سست‌متون و انجمن‌های امر بر حسب نیازمند تدوین مقدمه و معرفی نویسی، گزینشی و تهیه منتخب آثار است. در این زمینه شاگردان و دستیاران دکتر کار لازم را انجام داده‌اند. کار که بانک اطلاعاتی موسوم به «آرشیو» شامل مجموعه کامل آثار کتبی، صوتی و امضا کلامی نخست در این راستا است. بهترین مزیت این منبع فراهم آوردن امکان جست‌وجوی مفصّل و وازگان در کل آثار است. گام بعدی از آنه منتخب آثار است که متون اصلی را در یکی دو جلد جمع می‌آورد. بازنگری آثار بر اساس نیازهای روز در شکل گزیده آثار که به کمترین بها در دسترس عموم مردم و دانشجویان باشد. هم‌اکنون آغاز شدیم و دهها جلد از آن سلسله منتشر شده و می‌شود. با پس کار و براساس‌ری نهایی مجموعه کامل آثار است. که نشان خواهد داد وین و اعتبار و جایگاه هر سخن و مطلب در منظومه فکری شریعتی کدام و کجاست و مهم‌تر سخن تاریخی ظهور نظریات او ترجمه‌پذیر می‌شود.

طرح و تأثیر و خواندن آثار شریعتی در کشورهای دیگر به‌ویژه در جنوب و در شرق و در کشورهای مسلمان می‌تواند خود انگیز باشد. از یک‌سختی لازم به‌صورت شناخت و شناسایی متقابل از راه گفتگو میان روشنفکران متعهد این خسته از این رو، بنیاد فرهنگی دکتر از این پس خواهد گویند با بل توجه و سرمایه‌گذاری بیشتر در این زمینه گامی جدی در جهت معرفی اندیشه و پیام‌های دکتر شریعتی و آرمان‌های والا و بلند او همچون آزادی، برابری و عرفان برقرار



طی سه دهه گذشته برخی از کشورها از مرکز توجه ویژه به آثار دکتر شریعتی بوده‌اند. در رأس این کشورها ترکیه و کشورهای بالکان قرار دارد. کشور های عربی با وسایل در حین فرهنگ، مانند لبنان و مصر و... کشور های حظه‌اندوزی «ماری» و... در ترجمه‌های این همه به‌دلیل رشد حشش نوگرایان اسلامی در این کشور های جغرافیایی متفاوتی است. شاید مهم‌ترین تجربه و چشم‌انداز در این میان، نسل جوان مسلمان اروپا باشد که در جست‌وجوی یافتن روایی نو و اقلیل فزوح و تطبیق‌پذیری با مقتضیات حق و علم و زمان است.



عبدالمطوفی پور اهر

پروفسور، محقق و نویسنده و  
بنیان‌گذار رهیافت‌نگاره‌های  
مطبوعه دانش افغانستان

شاهین آلمین

استادکار زبان فارسی در دانشگاه  
پولیتکرن کولومبیا، مترجم و  
مطالعات شریعتی، محقق

مصطفی‌الله

مترجم و کارکن مطالعات منطقه‌ای  
استاد تدریس در کالج کولومبیا و در کلاس  
و سردبیر مجله‌های علمی

سیدالله سلطانی

محقق، مترجم و مترجم کرسی  
زبان و ادبیات افغانستان  
در کالج کولومبیا

حسین‌نارانی آندین

مترجم، مترجم کتب و مترجم  
ادبیاتی، مترجم کتب و مترجم  
ترجمه



# شریعتی چگونه صادر شد

یاسخ پنج روشنفکر تر که افغان، تاجیک و مصری

به بررسی‌های اندیشه‌ی بویا در باره نائبری که از شریعتی در کشورشان گرفته‌اند



علی شریعتی فقط برای ما ایرانی‌ها چهره‌های آشنا نیستند. خیلی‌ها حتی دیگر هم او را می‌شناسند. در افغانستان، نزدیک لبنان، تاجیکستان، مصر، عراق و حتی فرانسای غربی توان از ترجمه کتاب‌هایش به زبان‌های دیگر آشنایی از مسلمانان در سفر حج یک کتاب همراه خود دارند و آن‌ها می‌دانند که این کتاب‌ها به‌عنوان شریعتی در ایران از هیچ کتاب‌های دیگرش هم بزرگ‌تر به‌اندازه حج‌نامه چندی که ترجمه شده‌اند، عربی و فرانسوی نیز از کتب مهم‌تر است. آثار علی شریعتی در ایران ترجمه شده و در لبنان نیز مجموعه‌های آلمانی و فرانسوی به‌عنوان کتاب‌های مهم و معتبر در دسترس است. در افغانستان نیز ترجمه‌هایش از زبان‌های دیگر به‌عنوان کتاب‌های مهم و معتبر در دسترس است. در ایران نیز ترجمه‌هایش از زبان‌های دیگر به‌عنوان کتاب‌های مهم و معتبر در دسترس است. در افغانستان نیز ترجمه‌هایش از زبان‌های دیگر به‌عنوان کتاب‌های مهم و معتبر در دسترس است.

و احزاب چپ (بازگویی نیست، البته نیست) و وارد مرحله نوبتی از کار و به‌کار سیاسی خود شدند. هر راستی‌های این دگرگونی‌ها در سال ۱۳۵۲ خورشیدی دو گروه چریکی یکی در جنوب شرقی و دیگری در شمال شرق افغانستان مبارزات مسلحانه خود را بر ضد رژیم دایود خان آغاز کردند. گروه چریکی شمال شرقی یک گروه چریکی جنوب شرقی شناخته می‌شود. این دو گروه با حمایت و توجه کامل به افکار حسین انبیا و سیدعبدالله این دو گروه که به‌صورت سرکوب شدند هیچ اثری با باک‌دیگر نداشتند. در همین سال‌ها (۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷) و سقوط رژیم دایود به‌عنوان کمونیست‌های شوروی بود که تفکر شریعتی وارد افغانستان شد و آثار و سخنرانی‌ها

## “چگونه و از چه راهی اندیشه‌های دکتر شریعتی به روشنگران کشور شمار پیدا”

سیدعبدالله پور اهر در سال ۱۳۵۲ خورشیدی سردار محمد داوود ملی یک نظام نظامی و از طریق کودتا رژیم سلطنتی افغانستان را سرنگون کرد و برای بار نخست در تاریخ افغانستان رژیم جمهوری تأسیس شد. فضای سیاسی نوین که در پی این کودتا ایجاد شد این فرصت را فراهم کرد که احزاب سیاسی اسلامی، احزاب ملی‌گرا

میریم شیبانی  
فریما بیژوه  
آندین مستور

و نوشته‌های دکتر شریعتی به سمت فعالان سیاسی و انقلابیون افغانستان در اختیار جیش‌های انقلابی کشور ما قرار گرفت. در دهه ۶۰ خورشیدی یک جریان و دو شخصیت در افغانستان اثر گذار بودند. دکتر شریعتی و احسان طبری به عنوان دو نظریه پرداز انقلابی و جنبش سیهانگل (۱۳۳۹) به عنوان یک جریان سیاسی. میراثی تاریک جیش سیهانگل کتاب «سازده مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک» و «سازده مسلحانه ره تئوری» و «۹۰ روز در دهقانان» اثر اثر اشرف دهقانی بود که در زمان سیهانگل بعد از شکست‌های و حربه‌ها کشته شد. «چند باید کرد» و «مفاهیم یک انقلابی» از دکتر شریعتی و برخی بررسی‌های طبری. اصول فلسفه‌ای و یکسوز فلسفه‌ای در همه حزب بوده. ظاهره خسر و روبرو در مذاکره نظامی. آثار مربوط به گروه فلسطین، به ویژه زندگینامه شکرالله یاگزراه از گروه گروه در محافل سیاسی افغانستان دست به دست می‌شدند. البته در این سال‌ها حلقه‌های انقلابی افغانستان با گروه فدائیان اسلام به رهبری نواب صغری و نیز فعالیت‌های علی‌اکبر صفایی فراموشی از رهبران قیام سیهانگل و بیان جزئی و بقیه ایران سازمان جرم‌گشایی فدایی خلق نیز آشنا شده بودند.

در سال ۱۳۵۷ کمونیست‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان در این کشور به قدرت رسید و گروه‌های اسلامی و مارکسیست‌های مخالف شوروی به لبر در مسلحانه علیه رژیم کمونیستی افغانستان پرداختند. در این زمان آثار و سخنرانی‌های شریعتی با موج جدیدی حدوداً سیزده ساله متعلق به جریان‌های مختلف به جبهه‌های جنگ و مقاومت و محیط‌های دانشگاهی افغانستان وارد شد. در سال‌های غربی با ایجاد شوروی و شدت یافتن جو سیاسی، لایه‌های مختلف اجتماعی اعم از روشنفکران چینی تا کارگران مذهبی و جنا لایه‌های مختلف نوگرای لائیک و مارکسیست‌ها و جنبش‌های منتقد شوروی به آثار دکتر شریعتی علاقه‌مند شدند. در تمام سال‌های چهارده و پانزدهم در افغانستان تا سقوط حکومت دکتر نجیب‌الله شریعتی نه تنها دست به دست می‌شدند که در شماری از جبهه‌های جنگی رستاخیز پس هم می‌شدند. البته این است که یکی از گروه‌هایی که آثار دکتر شریعتی را به افغانستان انتقال می‌داد گروه مربوط به سیهان انقلابی بسیار برجسته اما گنجانده‌ای هم نمی‌دانیم که به دست آمده است یا سرحد در تمام عمر فقط دو بار با ملاقات گردید. «همین‌طور سیهانپوش» بود گروه آنها به «عباران خراسان» معروف بودند و به رسم «سیهانچنگان» از این سیهان می‌پوشیدند. این گروه نه مارکسیستی بود و نه اسلامی و نه دایموکراسیتی به معنای مدرن. انکوری آنهاست که مبارز این مرد اولین بار «چه‌ناید کرد» علی‌طریق شریعتی را در اختیار یکی از برجسته‌ترین و مشهورترین مارکسیست‌های افغانستان قرار داده بود و با این فعال سیاسی مارکسیست بود که هیچ‌یک گروه «۹۰» را در اختیار من فرار داد. این مثال‌ها شاید ۱۲ تا ۱۴ ساله بودیم.

انچه تاکنون به توضیح و نقل و نقل گردیده‌ای داخلی افغانستان بود اما در همین زمان اوضاع بین‌المللی هم برای کمونیست‌ها بد شده‌های دکتر شریعتی فراهم بود. در دوران جنگ سرد و شکل گرفتن میان‌های تازه، سوسیالیسم و با هم‌زیستی جنبش عدم تعهد علی شریعتی به عنوان یک نظریه‌پرداز انقلابی در صدر توجه نیروهای افغان و سیاسی افغانستان قرار گرفت.

**سیاحت‌ها در ایران پس از اعلام سیاست بازسازی در کشور شوروی**  
 که شامل ما تا جیک‌ها هم می‌شدند یعنی جامعه دانشجویان کنونی باز آمدند و نتیجه این قضای مارکسیست‌های سوسیالیست با آثار و نوشته‌های مذهبی فراهم آمد. در سال‌های پایانی حکومت شوروی بعضی از روشنفکران و روحانیان تا جیک که به مخالفان نظام کمونیستی محسوب می‌شدند آثار متفکران کشورهای اسلامی را به جوانان عرضه می‌کردند. در ریف دیگر آثار مذهبی و انقلابی با زبان عربی همچون توارها و نوشته‌های ایشان خمینی، مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی نیز میان جوانان و علاقه‌مندان توزیع

می‌شد. همان زمان یعنی ۳۳ سال قبل بود که سنده‌های جوانی با نام علی شریعتی آشنا شدیم اما چون کتاب‌هایی که از او در دسترس ما نبود یکی دو عده پیش نبودند و خواهشمندان مطالعه آن بی‌شمار بودند. به دست گرفتیم و مطالعه چنین کتاب‌هایی برای هر کسی میسر نمی‌شد.

**حسین قاضی آیدین: فلسفه شریعتی یکی از مهم‌ترین روشنفکران مسلمان است که هم فرهنگ اسلامی و هم فرهنگ غرب را می‌شناسد و در مقام یک ناظر تیزبین هم اسلام هستی و هم کثرت به مدرن غربی را نقد می‌کند. او مفهوم به‌سراپی در شکل‌گیری جامعه‌شناسی اسلامی به معنای برائیک آن داشت و با نقد استدلال‌های غیر عقلانی هستی و همچنین زیر سوال بردن قالب‌های مدرن نگاه جدیدی بر روی زندگی ارائه کرد. شریعتی با مواضع و گفتمان‌های مشخص به‌شرف خود، در ترکیه به‌ویژه جوانان اسلام‌گرا و همین‌طور سوسیالیست‌ها بوده است. البته شریعتی از نقد مبسوط بوده و شیخ‌ان قرآنی او را به سنی‌گرایی متهم کرده‌اند و برخی از اهل سنت نیز او را به دلیل شیعه‌بودنش خطرناک می‌دانند. در ترکیه ابتدا اسلام‌گرایان بودند که شریعتی را کشف کردند. دلیل این کشف هم احسان طبری بود که در دوران رگود فرهنگ نیمه نوم قرن بیستم تر که حادث شده بود بعد از انقلاب سال ۲۹ میلادی ایران در کانون توجه قرار گرفت و تعدادی از اهل ایران توسط اسلام‌گرایان ترجمه شد و بدین ترتیب مخاطب ترکیه با علی شریعتی آشنا شد. اولین کسی هم که او را به ایران کشید مرحوم «جمیل مریچ» بود که تساهلت‌های زیادی هم در تفکر با علی شریعتی داشت. هر دو جامعه‌شناس بودند و دانش‌آموزان سوربن و دیگر این که سوسیالیسم فرانسوی و اسلامی را خوب می‌شناختند و بدین سبب هم مخاطبان هر دو به احاطه خط فکری به هم نزدیکند. اما تسلط شریعتی به اندیشه اسلامی در مقایسه با مریچ بیشتر بود و لذا اسلام‌گرایان راسختر تحت تأثیر خود قرار دادند. روزی که شریعتی در ترکیه سوسیالیست‌ها و اسلام‌گراها را به هم نزدیک کرد. مضاف بر این گروه‌های سوسیالیستی که رشته‌های دینی داشتند را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد و تغییر دایره‌های فکری شریعتی و استراحت آنها تا عشق و میان‌تولدی چیزی بود که جوانان ترکیه بدنبال آن می‌گشت. شریعتی همان قدر که منتقد دست بود به همان درجه در دستگام‌سازی است. بود هر تلاش بود تا فلسفه دینامیک و روح‌دهنده به دست‌آمیز اینست آورد و در کنار جوهر اصلی تمدن غربی جهت‌دهنده به این عصر قرار دهد. او صاحب یک فلسفه سیاسی و اجتماعی بود که در عین حال بی‌توجه به زندگی واقعی هم نبود.**

**شاهین آیدین تقریباً ۴۰۰ ساله بود که جامعه ترکیه از ارزش‌های سنتی خود فاصله گرفته بود و شرایط سیاسی حاکم بر ترکیه اجازه نپوشش و رشد رهبران فکری را نمی‌داد. اگرچه در همین اوضاع بسته هم تعدادی از روشنفکران ظهور کردند و اندیشه‌های خود دربارہ رشد جامعه و مبارزه با عقب‌ماندگی را بطور واضح بیان کردند. در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ جامعه فکری ترکیه با استفاده از فضای آزادتری به دست آمده، به کار نظریه‌پردازی برای بازگشت به خود و بازگشت به ارزش‌ها مشغول شد. در این دوره بود که کتاب‌هایی که شریعتی به زبان ترکی ترجمه شد و به پورش ذهن تحریکان ترکی کمک کرد. اخیراً کتابی که امروز جامعه ترکیه آنها را با عنوان جامعه‌شناسان می‌شناسد در همان سال‌ها کتاب‌های مرتضی مطهری، سید قطب و حسن البنا در ترکیه خوانده می‌شد. آنها هم که در دهه ۷۰ میلادی، پدر و مادرشان نام OZEDONUS به معنای «بازگشت» که عنوان کتاب شریعتی بود را به آنها گذاشتند. اکنون تقریباً ۴۰ ساله‌اند.**

**مصطفی‌الله اندیشه‌های علی شریعتی از دو طریق به فضای فکری روشنفکران و فرهنگیان کشور‌های عربی راه یافت: در گام اول به‌دنبال ارتباطات نزدیک که مرحوم شریعتی با انقلابیون الجزایری برقرار کرد، برادران الجزایری ما نخستین کسانی بودند که با اندیشه**



عبدالمطیف بغدادی:  
 در سال‌های  
 ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹  
 و سقوط رژیم  
 تاوود به‌وسیله  
 کمونیست‌های  
 شوروی بود که  
 تفکر شریعتی وارد  
 افغانستان شد و  
 آثار سخنرانی‌ها  
 و نوشته‌های  
 دکتر شریعتی  
 به‌صورت فعالان  
 سیاسی و انقلابیون  
 افغانستان در  
 احیای جنبش‌های  
 انقلابی کشور ما  
 قرار گرفت. نیز  
 دهه ۶۰ خورشیدی  
 یک جریان و دو  
 شخصیت در  
 افغانستان اثرگذار  
 بودند. دکتر  
 شریعتی و احسان  
 طبری به‌عنوان  
 دو نظریه‌پرداز  
 انقلابی و جنبش  
 سیهانگل (۱۳۳۹)  
 به‌عنوان یک جریان  
 سیاسی

او از بساط برقرار کرده. کلام دوم آشنایی از طریق ترجمه های صورت گرفت که زبان شناسی و متفکر مصری، مر حوم ابراهیم المسوقی شناساز کتاب های شریعتی به عربی ترجمه کرده است. از او به دیگر سال ها است که انتشارات «الامام» در لبنان نیز آثار شریعتی را به صورت کامل به عربی ترجمه کرده است و همچنین در بیروت برخی اندیشمندان همچنان درباره اندیشه های دکتر شریعتی کار می کنند اما درباره این که کدام جریان های فکری در جهان عرب تحت تاثیر اندیشه های دکتر شریعتی قرار گرفته اند باید گفت که این تاثیر فکری تا به گسترده ای از جریانات انقلابی را شامل می شود. جریان ملی - اسلامی، جریان اسلامی المصلحین و جریان چپ ملی گرا از جمله آنها هستند و البته باید به قدرت آشنایی دکتر شریعتی بر محل عظیم انقلابین نیز اشاره کرد. واقعیت این است که گزاهای او فقط بر یک جریان تاثیر نمی گذاشت.

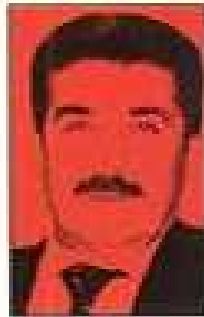


### کدام یک از کتاب های دکتر شریعتی قبل از همه به زبان شما ترجمه شد؟

عبدالمطلب پدram آشنایی من با شریعتی در سال های مهاجرت به ایران، به خصوص یکی دو سال بعد از انقلاب ایران، که طرفداران او در مقابل دانشگاه تهران، کتاب های نوها و تصویرهای او را بخش می کردند بیشتر شد. در این سال ها من به بحث بدون حیا، همه آثار چاپ شده او را بخوانم و به بسیاری از آثارهای سخنرانی او گوش دادم. چند بار هم شخصا در روش شناخت اسلام، را تفسیر کردم. «گور» از کتاب های دوست داشتی او بود. اسلام شناسی منهدم و تهران را به وقت خواندم و نامه های زیاد از حسین و سارا امروز گرفته بودم. نامه به پدر و نقل به نامی نامه های دهه ۵۰ او و آخرین نامه نامه او به دخترش را همگی از نظر گذرانده بودم.

در افغانستان به زبان های پشتو، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، باغری و نورستانی می نویسد یا سخن می گوید. گویندگان این زبان ها با زبان فارسی آشنا هستند چرا که اکثریت زبانی، زبان فارسی است. از همین و آفری که در ایران تولید می شود در کشور من ترجمه مجدد نمی شود. آثار شریعتی را بدین ترتیب ترجمه نکردیم. در متن اصلی خواندیم. من ابتدا چه باید کرد؟ از خواندم، کتاب دوم گور بود پس ترجمه دکتر از کتاب لاهور فطری را خواندم است و امامت حسین و ارباب ائم، مذهب، علیه مذهب، روشنفکر و مسئولیت او در جامعه آری این چنین بود برادر، فاطمه فاطمه است. پدر ما را ما متهمیم. باز گفتیم به خوبش، تشیع علوی و تشیع علوی، فلسطین و مارتین و ناگش، اگر باب و مارکس نبودند کتاب های بودند که در حوزه اول زندگی خود خواندم بعد از اعلام شناسی منهدم و اسلام شناسی تهران را خواندم و پایان خواندن زندگی، بونگ و روش شناخت اسلام را، نیاز من و حیا به آثار شریعتی برخاسته از عشق به آزادی و عدالت بود. عرفان شریعتی را خوب نمی شناختم اما می دانستم شریعتی مبارز جنگی نابینا، عدالت و آزادی است. نیاز دیگر ما شناخت بازه از اسلام بود. چه خوب، چه فراتر چه مارکسیست و چه مسلمان نیاز داشتیم راه های مبارزه در کشوری اسلامی را به کمک شریعتی بیابیم. مبارزه علیه امپریالیسم، اشتراکری و استعمار، اندیشه معطوف به راهی در همه سطوح، بدویزه ناسن عدالت اجتماعی، فلسف و طبقاتی نظریه های بود که به گفتمان مسلط در سرزمین ما مبدل شده بود. شریعتی خود یکی از فرازهای بی نظیر کنونی است. این گفتار بود اما آنچه در من علاقه مندی مضاعف نیست به او ایجاد می کرد قدرت بیان انسی او بود. شریعتی گفتار، سلطه بر واژگان زبان، اندیشه فوری که به گونه های مولوی را در نوزادان شخصی انسانی می کند، و پروازهای بلند او مرا خوب تر از همه می کرده. دانشمندان گرامری بر بلندی ها گفتار، (تایق شریعتی، شاعر تاجیکستانی، گفتار گوهای تنهایی

### حسین نزاری گفت



بعد از انقلاب با ایران در کانون توجه قرار گرفت و تعدادی از آثار ایرانی توسط اسلام گرایان ترجمه شد و بدین ترتیب مخالفت ترک با شریعتی آشناس شد. اولین کسی هم که او را به میان کشید مر حوم «حقیق» بود که شباهت های زیادی هم در تفکر با شریعتی داشت.



و فائزنی به اندیشه شریعتی بدان میانس است که از آن عبور کنیم تا به این میانسش بیاریم اما این تپور آنها یک تصمیم نهنی نیست بلکه به ایجاد اندیشه و معانی جدید نیاز دارد که این تواناییش در مصر و کشورهای اسلامی رخ نداده است.



مصطفی الباد

(۱۳۳۶)، هبوط (۱۳۳۸)، خدا حافظ شهر شهادت (۱۳۵۱)، علی تهریست (۱۳۳۸)، کوبر (۱۳۵۰) و آری من چنین بودم، سرشار از این توانایی های انسانی اند. شماری از جمله ها و نوشته های او قطعاً به شعر بیولو می روند. او عاشق شعر و نثر بوده و سوازی، سگالی ها و محق افکار او، مرایه یاد توانایی و هوانی این من انداخت: «مگر همه جستی ام را از من بگیرند و بگویند قطعاً تو جیسو را می توانی برای خودت از هر چه هست و فازی برگیری، من هر تو جیسو را شعر انتخاب می کنم.» گفتگوهای تنهایی، بدعت فکری ها و استثناسکی های او شجاعانه بدعت نهنیها برداشته که مره عمل هم بود. عضویت در جنبش آزادیبخش الجزایر، همکاری با جبهه ملی و نهضت آزادی، همسویی با دکتر آسون دانشجو جوان ایرانی و همکاری با نشریه ایران آزاد، زلفان رفتن ها و تسلیم نشدن ها در برابر وعده های رژیم به راه، ایمان و آگاهی شریعتی بار نیز داشت.

مصطفی باجلان ما چون در زمان حکمرانی کمونیست ها بر کشور خود می نشستیم، بر طول بیش از ۲۰ سال گوش های ما به شنیدن کلام الهادی عدالت کرده بود و لذتان زمان یک نوشته کوچک دکتر دربار «مترک» در تاجیکستان با استقبال کنونی می مواجه شد پس از آن بود که سخنرانی های دیگر شریعتی به شکل تپور و کتاب در دسترس علاقه مندان آثارش قرار گرفته. در تاجیکستان از نوشته های دکتر شریعتی، کتاب های نو، ما و مقاله هبوط در گور، تاریخ و شناخت ادیان و اسلام شناسی مورد توجه خوانندگان و علاقه مندان شریعتی است. پس از کسب استقلال در تاجیکستان به آرایش های ملی و دینی اهمیت بیشتری داده می شود. در نتیجه فکر می کنم که اثر بارشناسی هویت ایرانی اسلامی امروز خیلی به فرد جامعه تاجیکستان می خورد اما متأسفانه این را هم باید بگویم که تاکنون هیچ اثری از نوشته های دکتر شریعتی به خط امروزی تاجیکی (اسلوویکا) منتشر نشده است. و تنها ابهامی که باعث فزونی انگلیسی فارسی می شوند آثار علی شریعتی را بخواند و بهره ببرند.

شادی ایدین شخصاً به عنوان یک حیواند که به آثار شریعتی علاقه داشتند از خیابان های تهران می دی های سخنرانی او را تهیه کردم و گوش دادم و دانش منیش آشنا شدیم اکثر روشنفکران مسلمان ترکیه اما آثار شریعتی را به صورت مکتوب و از روی ترجمه ترکی خوانده اند. آثار می مانند هزار گشت به خویشم، چه باید کردیم، حسیع صوفی و تشیع علوی، حسیع و حسیع ساری انقلابی، در گذشته ترجمه ای که از کتاب های شریعتی به زبان ترکی ارائه می شد، حسیع خوب نبود اگر چه مخاطبان کتاب ها زیاد بود. امروز انتشارات قجر کتاب های شریعتی را با ترجمه منفس و کیفیت خوب منتشر می کند که البته دیگر مخالفت قبلی را ندارد.

حسین نزاری ایدین مقاله به در اینجا به روایت عملکرد انتشارات قجر در خصوص ترجمه و نشر آثار شریعتی در ترکیه بپردازیم. زانل و انگیزه ما تر ترجمه شریعتی مشترک بودن فریادمان بود در ده های هجدهوی دینساری آگاهانه و آگاهی دینداران دینداران در مقابل آنهایی که دین را وسیله منفعت طلبی خویش قرار می دهند، مبارزه برای وحدت و توحید گرفتن بلزوی حق و استادی در برابر ناحق، اندیشه های شریعتی، اندیشه های ما را متعجب می کرد و علاوه بر این، بشو چنین دیدگاهی از طرف خوانندگان آگاه کشورمان نیز طلب می شد. ما هو البته در مقابل واکنش های احتمالی نسبت به انتشار آثار شریعتی در کشور مان، شهامت ایستادگی داشتیم و لغایه ترجمه مجموعه آثار او به زبان ترکی همت گماشتیم. مشکل فقط این بود که به جز ما، دانشوران دیگری هم به صورت پراکنده کتاب های شریعتی را ترجمه می کنند در حالی که اجناس های از خیابان ها جزو خاتونک شریعتی، مخاطب خویش نیست و علاقه مند تر که را با شریعتی آشنا کرد. ما تر آغاز کار از روی چاپ کل آثار شریعتی را که شامل ۲۲ کتاب بود به صورت یک جا داشتیم اما این کار بسیار دشوار بود. به همین دلیل تصمیم به چاپ کتاب ها به صورت بی دربی

گرفتیم و تاکنون ۳۹ عنوان را ترجمه و منتشر کردیم و سه کتاب باقی مانده را در ماههای آینده منتشر می‌کنیم. مادر هر نوبت چاپ تعداد ۲۰۰۰ نسخه از هر اثر چاپ می‌کنیم و هستند کتابهایی که به چاپ نروم و حتماً سوم هم رسیده است. طرح چاپ در چندین طبعه منتهی به «مبارکشت به خوبستن» و «خودسازی انقلابی» از کتاب‌های پرفروش شریعتی در ترکیه هستند. بیشتر خوانندگان ترجمه‌های ما از علی شریعتی، جانتسه‌ویلی، فرخ کج‌حصیلان دانشگاهها هستند. طبعاً هر کس از این دایره هم خواننده‌گان جدیدی برای آثار شریعتی وجود دارد. ما هموماً با طیفی از خوانندگان با فرهنگ و سطح مطالعه بالا مواجه هستیم. همان طوری هم که اشاره کردیم در آغاز یاد بیشتر از طرف طیف مذهبی خواننده می‌تواند اما به مرور هم دایره علاقه‌مندیان دکتور شریعتی در ترکیه وسیع‌تر شد و هم تعداد خوانندگان بیشتر شد. تا قبل از استقرار دولت فعلی ترکیه، خواننده شریعتی بودن همچون یک گناه بود و حتی موضوع زمینه محاکمه هم می‌توانست باشد اما بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه چنین واکنش‌هایی رفتار شده کم شد. برای مثال وزارت فرهنگ از باب برای تکمیل کتابخانه‌هایش کتاب‌های شریعتی را در خواست می‌کند. در نهایت این که در ماه نوامبر سال جاری نیز ما یک سمپوزیوم با حضور خوانندگان شریعتی در استانبول خواهیم داشت.

**مجتبی قلند:** مرحوم دکتر ایراجی موسیقی‌شناس و زبان‌شناس فارسی مدتی اواخر بار کتاب «تشیع عمومی و تشیع معنوی» دکتور شریعتی را به زبان عربی ترجمه کرد که به هم‌زمانی در ایران یک سالخیز دو تعین بزرگ مصری و عراقی داشت. مرحوم شما این امکان را برای خوانندگان عرب برسان ایجاد کرد که بتوانند با جنبه‌های زبان فارسی آشنا شوند. از کتب‌های کلاسیک و مهم بسیاری را به زبان عربی ترجمه کرده‌اید که از جمله آنها کتاب‌های مرحوم شریعتی است.

**عبدالمطیف بدر**



شریعتی و آثار او بزرگ‌ترین جامه‌ده افغانیستان کلاسیک شده‌اند. کلاسیک نه به معنای آن عهد القادری و زائده شده به دست‌نویها. کلاسیک به معنای جانشان در فرانسه، مرجع و کانون اندیشه‌های منتقد عیله (به تعبیر بابک احمدی) در کتاب «شناخت موسیقی»



ما چون در زمان حکمرانی کمونیست‌ها می‌زیستیم، در طول پیش از ۱۰ سال به شنیدن کلام الحادین عادت کردیم و در وقت یک نوشیده کوچک دکتور شریعتی خوشبو که در اتحادیه‌های ما استفاده می‌شد



عبدالمطیف بدر

اندیشه‌ها یا به نزد انقلاب می‌خورد یا برای معنای گری اجتماعی در حمال هم حرفی دارند؟ در ادامه همین مسیر، ورود غریب‌ها به افغانستان بعد از سپتامبر ۲۰۰۱ نوعی‌ترین در افغانستان ایجاد کرد و مردم چند صیحه‌های بیچاره زده بودند که غریب‌ها نیست بودند را خواهند ساخت. مردم دیگر به انقلاب فکر نمی‌کردند. مختصری که در همه آثار شریعتی برجسته بود و روح آن آثار را شکل می‌داد. اما این تیره کوتاه بود. شریعتی و آثار او برای جامعه افغانستان کلاسیک شده‌اند. کلاسیک نه به معنای آن عهد القادری و زائده شده به دست‌نویها. کلاسیک به معنای جانشان در فرانسه، مرجع و کانون اندیشه‌های منتقد عیله (به تعبیر بابک احمدی) در کتاب «شناخت موسیقی» از دانشگاه‌ها. در کفران‌ها در تطهرات در بحث‌های روشنفکری، کسانی که شریعتی از جایی می‌دهند علاقه‌مندیان، مطهری، مجتهدی‌نستری، ملکیان و سریش هنوز توانستند شریعتی را از دور خارج کنند. در میان جوانان ما و محیط‌های دانشگاهی هنوز هم حرف اول را شریعتی می‌زند. شکست قرب در افغانستان به دلیل گسترش دور نظریه فقر و تشدید شکست‌های طبقاتی، تعطیل شدن عدالت به تبع استعلاگری‌ها، شکست اخلاقی عرب در زمان ابوغریب هشامی به بخیگان و مردم افغانستان بود. امروز شریعتی بار دیگر به محور اصلی بحث‌های دانشگاهی، از ادبی، اخلاقی و عدالت‌خواهی محفل شده است. برگشته‌ایم تا شریعتی را بار جوانی کنیم. این توشیح تازه بعد از وفات او کوتاه است. همین هم نوبت نشان دهنی او را می‌خواند و هم باز گیسو‌ها هم هستی که به سخن فریاد یک بچه و داستانی‌سکی سیر از اولی تاریخ روح‌انسان‌ها می‌کند. شکست اخلاقی عرب و آمریکا نشانه‌های شکست‌های طبقاتی که جامعه را به سرخ‌ها به طبقاتی فقر و ثروتمند تقسیم کرده‌اند. بار راه‌یک‌سوم شریعتی و نیاز به تسخیر مارکس (به بیان خود شریعتی) را در برابر ما قرار داده است. این روزها، بیش از هر زمان دیگر اندیشه‌های عدالت‌جویانه در کشور ما مطرح شده‌اند. باز جوانی شریعتی نشان‌گر این است که سوزی موسیقایی دموکراسی است. به نویسندگیم و لیبرال دموکراسی در ایران دموکراسی بر خلاف سوسال دموکراسی از عدالت‌خواهی اجتماعی و فرهنگی خیری نیست. اگر روشنفکران نوادیتی چنین افغانستانی از پایگاه ارزشی خود دفاع می‌کنند و به نوبت از لیبرالیسم می‌روند چنان که فرحتی در کتاب آمریکایی شدن می‌گوید، نیروهای جدیدی بر موانعی پای می‌نهند که اگر نه به کمونیسم لاقیل به موسیقایی دموکراسی راه باز کند. تحلیلی افغانستانی در اندیشه‌های شریعتی گرایش به موسیقایی دموکراسی را شناخت‌ها و دردهای او برای عدالت اقتصادی و طبقاتی را علامت زد. هادید فکر می‌کنم بار دیگر فرصت آن فراهم شده تا با نگرش بر شریعتی به نقد جدی لیبرالیسم بپردازیم و بر تأسیساتی‌ها بیان نقیه کنیم. امروز در افغانستان این صدای می‌شنویم. این روح دوباره باز گشته است. مرحوم بار دیگر به شریعتی نیاز پیدا کرده‌اند.

**سیدالله ملانجان:** شاید برای جامعه ایرانی گناه بزرگ‌ترین لغزادی چون شوروی کمونیستی را تجربه کرده‌اند. در سوز و اندام گذشته نظامی اسلامی دانش‌ها، اندیشه‌های دینی شریعتی دیگر جایزه گشته‌اند. دانش‌های بلندی تیار در زمان کشورهای آسیای مرکزی به دستگرمی چون علی شریعتی امروز خیلی بالاست. زیرا این کشورها هیچ‌کس در مرحله خیزش انقلابی قرار ندارند و هم‌زمان خطر از طریق گری هم آن کشورها را تهدید می‌کند. شریعتی سعی داشت اسلام را به عنوان یک تفکر زندگی ساز و یک نظام اجتماعی و یک ایدئولوژی، رنگین‌های روشنگری مطرح کند. یعنی دقیقاً همان چیزی که جامعه کشورهای شوروی سابق امروز به آن نیاز دارند. نشانستن معرفت دینی با دین بودن مطرح معرفت دینی می‌تواند در آینده نزدیک کشورهای آسیای مرکزی را به چالش بکشد. مرحوم شریعتی بر این باور بود که انقلاب قبل از آنکه به جامعه منتظر می‌شود، بنا بر این رسالت روشنفکران تأسیک در این راستا رساننی عقیده است. در این میان بار و مسئولیت بیشتر روی دوش کسانی است که علاوه بر احساس مسئولیت در برابر جامعه نوظهور، مذهب

**"آیا تحول از شریعتی به جاسازی یعنی در میان جامعه فکری و فرهنگی شما مشهود بوده است؟"**

**عبدالمطیف بدر:** بسقوط رژیم دکتور نجیب در افغانستان از دید مجاهدان که علیه کمونیسم می‌جنگیدند، نشانه‌های تلقی می‌شد. اما جنگ‌های داخلی مجاهدین تمام ایده‌های مردم افغانستان را به باس تبدیل کرد. دیگر نه به اسلام سیاسی و نه کمونیسم آمیدی بسته شد. شکلی از نوید ایجاد شد که تفسیر آن را در دیالکتیک جنفی مکتب فرنگی‌ت می‌شد مشاهده کرد. آمیدی به رخایی نبود و بر اکسیمی و عمل تألیف‌های دور تعطیل به نظر می‌رسیدند. بازی آنورنو، هور کهنسر و گادار بعد از سلطه لائسیسم و ایجاد از دو گدای کل اجزای و کورهای جمهوری منفرد به دیالکتیک منفی شدند و سرودند که بعد از استواری دیگر لازم‌نیست از انسانیت سخن بگویم و اکثر بیچاره‌ها در روز فرنیسه و اسپانیا خود کشی کرد. شریعتی در دورهایی از حیات فکری خود تحت تأثیر مترابنگ هم بود و جنید، خواجه، ملک دینار، طویل عباس، یازید، بیستری و قشیری را محبوب می‌شناخت. باس‌های فلسفی و گزاین‌های عرفانی شریعتی بعد از عرفانی روایت‌های کلان می‌بود. نوجه نسلی از مبارزان، مجاهدین و جوانان دانشگاهی افغانستان که وضعیت جدید آنها را تأسید کرده بود، قرار گرفت. اما تسلط فضای فکری باس‌الود و فر و کشی کردن شور انقلابی، نسل جدید ما را به انقلابی نوین و نشانه در این مقطع از تأسید و شکست بود که اکثر عیدالکریم سروش به دست تحلیلی فکری افغانستان رسید. صدرا و مدبرین، فیض و بسط نظریه‌های شریعتی، افات ایدئولوژی و... این سوال برای روشنفکران افغان نیز مطرح شد که آیا می‌شود بر بنیاد اندیشه‌های دکتور شریعتی نظامی سیاسی ایجاد کرد یا خیر؟ آن



تصویر: جلد مجله سروش، ۱۱۱، خرداد ۱۳۵۸

تحوالات در ترکیه به یک شخص به هیچ وجه ممکن نیست اما اگر شریعتی امروز زنده بود، تحولات ترکیه را شاید گامی نمی دید اما حداقل تمام آنها را شریعتی می کرد.

**۱۱) شادی آیدین:** افکار و الیز داکتر شریعتی همیشه برای یک جامعه مسلمان قابل توجه است. ولی مناسفانه این افکار به دلایل مختلف شناخته نشده است. ایران هم کمتر مجال عرضه و طرح یافته است. با این همه روشنفکران مسلمانی که در ترکیه از افکار شریعتی تأثیر پذیرفتند، امروز بسیار جلو رفته اند و کمتر به اندیشه شریعتی نیاز پیدا می کنند. امروز دیگر نویسندگانی روشنفکری ترکیه است که به کشورهای همجوار می رود. واقعیت این است که کتابهای شریعتی در ایران بهتر خوانده شد ولی در ترکیه به آن عمل شد اکنون ترکیه دارد رنسانس خود را می سازد.

**۱۲) مصطفی التیاج:** او لا اجد داکتر شریعتی با آن مبارزه کرده بر خورد با اندیشمندان فرست طلبی بود که می خواستند برای حفظ مصالح خود راه حکومت نزدیک کنند انگیزه که در اندامی جوان خرفی وجود دارد. شاید آنچه داکتر شریعتی با آن می جنگید غرب گرایی و غرب نشینی روشنفکران منطقه به غرب و تسلیم بر غرب آن بود که تاکنون نیز در جوامع شرقی ریشه دارد. نکته چه کسی گفته که انقلاب برمی خیزد و طاقت را به زور می آورد بعد از آن آرام می شود و به خواب می رود؟ ما در مصر خودمان طاقت را از دست دادیم ولی ظاهر آن در نتیجه انقلاب لیا به تجدید خودمان تا بتواند حداقل در بعد فکری به مسیر خود ادامه دهد. ابعاد آنچه اکنون در منطقه خاور میانه می بینیم گویای تقسیم بندی های مذهبی است و همین مرز بندی هست که نشان می دهد امروز هم تا چه اندازه به اندیشه های داکتر شریعتی نیاز است. فلسفه من بسیار متاسفم که می بینم بسیاری از نوگرایان در جهان اسلامی تاکنون نتوانسته اند از اندیشه دینی روشنفکرانه شریعتی به جلوتر از آن پیشروی کنند. وفاداری به اندیشه شریعتی بدان معناست که از آن عبور کنیم نه این که معطلش بمانیم. یعنی همان کاری که خود من می کردم اما این عبور تنها یک تصمیم دینی نیست. بلکه به ایجاد اندیشه و معانی جدید نیاز دارد که تاکنون این نوآرادی در مصر و دیگر کشورهای اسلامی رخ نداده است.

F

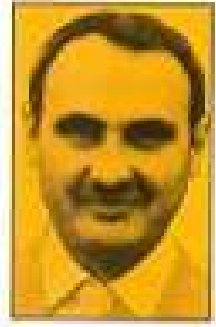
"نسبت بزوگی از جامعه شما اهل تسنن هستند اندیشه شریعتی چگونه با اهل تسنن پیوند خورد؟"

**۱۳) عبداللطیف پیر:** به دنیا اهل تسنن است که ما را گسیب ها تیرا با اندیشه شریعتی مقابله نکردند. در دهه ۴۰ میلادی، در اوج پیش پای سیاسی و ادبولوجیک میان حزب کمونیست شوروی و حزب کمونیست چین، مجموعه ای از نوشته های مارکسیست های چینی با عنوان «۹۵ نفر» منتشر شد. چینی ها شوروی را به سوسیال-امریالیسم متهم کردند. حزب های چپ انقلابی در افغانستان پای داشتند که شوروی از مسر واقعی سوسیالیسم منحرف شده است. نقد بر مارکسیسم و سوسیالیسم رسمی، ادک اندک افکار و تزیین های ایجاد شده بود. حالا این سخن شریعتی که می گفت مارکسیسم رقیب است نه خصم برای این گروه از مارکسیست ها مورد حسد بود. شریعتی از سوسیالیسم، اگر سوسیالیسم و عشق یاد می کرد و مترادف های آن، عدالت، انسانیت و برستنی ردی این آرمان ها بر درس های اسلام شناسی مشرب و اسلام شناسی تهران کمالا هویدا بود. واقع تعجبش در همه جا بود. این آرمان شریعتی بود و برای این که این آرمان را استوار سازد از مفهوم قرآنی «فلسفه استقامت» می گرفته بدینسی در برابر آرمان های سوسیالیسم و مارکسیسم از همین روی مارکسیست های افغانستان شریعتی را یک چهاره خیزان تجار استعمار و امپریالیسم می شناختند و برای او و مبارزان اش احترام قابل بودند. از سوی دیگر شریعتی هم از افاهی به حد از قابل سید جمال عدیه و رشید رضا یاد می کرد. هر چهار چهاره از افاهی اهل

و دین و اهم دارند مشکل اینجاست که تعداد روشنفکران دینی در منطقه آسیای مرکزی خیلی کم است. چرا که فرهنگ روشنفکری این جوامع در دامن فرهنگ روسی پرور می یافته است. هرمان روحانیت آسیای مرکزی نیز فاقد اسجلم لازم بوده و لذا امروز به اصلاحی کلی نیاز دارد. برای این اصلاح و دگر دگرسی هم تجربه داکتر شریعتی و مبارزه او با تحجیر، اقتصادی، خرافات و عقاید اگلی های ذهنی یک جامعه که بزرگترین و رکن مبارزه او بود کار ساز است. او با استفاده از دین می خواست طریقی نو در اندازد و حیاتی تازه و نوین سازد این تجربه بر این منطقه آسیای مرکزی تجربه ای ناب و عبوری است و هر این زمینه انگیزی مناسبت تر از داکتر شریعتی نمی بینم.

**۱۴) حسین آری:** وحدت است در افکار امام خمینی و شریعتی و دادگاه نزدیکان ایران اهل سنت و تسلیح توجه خواننده گان ترک را از مسائل های بین از انقلاب به خود جلب کرده بود. سخن شریعتی روشنفکری بود که می توانست صفویه را نقد کند. می توانست رسالت عثمانی را از آن خود کند و با قاضیه یادی از تعصب شیعه و سنی کنار کند. چنین تلاشی برای ترکیبی دو جریان مذهبی که از تباهاشان در طول تاریخ قطع شده بود، بسیار امید دهنده بود. اما امروزه این گلستان چه در ترکیه و چه در ایران سخنگویان خود را از دست داده است. شریعتی اگر چه نقش مهمی در بهبود اندیشه نسل جوان روشنفکر ترکیه و به تیر نشستن طیف های روشنفکری جدید داشته اما بهر هم نبود در جوق و اسلام گرایان ترکیه. تأثیر محدودی بر روشنفکری امروز ترکیه دارد. البته بر میرا نیست اگر بگویم او در تحولات دانشگاهی ترکیه به خصوصی در حوزه علوم انسانی یعنی جامعه شناسی دین، تاریخ ادیان و جامعه شناسی اسلامی نقش خود را داشته است. او روشنفکری بود که هدفش به آموزش کشیدن است. بود. امروز اگر چه شریعتی چنین صدایی شاید در ایران سخت تر باشد اما در ترکیه از خلال کتاب های شریعتی هنوز هم می توان این صدای را شنید. هر ترکیه، شاید بر خلاف ایران شریعتی از اندیشه های است که اکنون نیز توسط نسل جدید خوانده می شود. در ایام ساختن

روشنفکران مسلمانان اهل ترکیه از افکار شریعتی تأثیر پذیرفتند. امروز بسیار حق و فلاح اند و کمتر به اندیشه شریعتی نیاز پیدا می کند. امروز دیگر نویسندگانی همجوار از روشنفکری ترکیه است که به کشورهای همجوار می رود.



مهدی آیدین

جماعت بودند، بنابراین جوانان اهل سنت و تولدینشان سعی می‌کردند که شریعتی در جستجوی آزادی و عدالت است. مذهب را برای انسان می‌خواهد و گرفتار خشک‌اندیشی‌های نیست.

**مطالعه ملاحان:** باید بگویم که امتیاز بزرگ شریعتی این بیشتر گفتار او از تعصب‌های خشک مذهبی به دور است و آثار او برای اهل سنت هم قابل قبول است. از جمله کتاب *تواریخ اسلام*، *اسلام‌شناسی*، *شهادت سیدالمرتضی*، *تاریخ و تمدن اسلامی*، *حج و عمره*، *تکته مهم دیگر این که محور اندیشه او موضوعاتی از قبیل مبارزه با حق علیه باطل، شهادت، جامعه و تنوع‌پذیری، زن و آزادی است که برای عموم مسلمانان قابل توجه است و همواره موضوعات روزمره زندگی آنان را تشکیل می‌دهد. این جمله از شریعتی را اخیر کلام می‌نمایم که شیعه و سنی شناسد: «این پیغمبر ظهور نکرد تا خود را مثل زرتشت بزرگ و کنفوسیوس به این کلاخ برساند و در ردیف شاهزادگان و خواجه‌زادگان بنشیند، آمده است تا آن را ویران کند، تا اسلام چشم به جهان گشود، آشکنده قاری خاموش شد و هر مخالفی فرو ریخت.»*

**سین قرآنی آینه نین:** کثر شریعتی شیعه‌گرای صوفی و وسوسه‌گری را نقد می‌کند و بر آن بود تا شیعه علی و سنت محمدی را از پیروان او که کند اهل اندیشه او در قالب‌های تنگ نمی‌گنجاند. این بهترین روشنگرانه سوسیالیست‌ها را آشوب می‌کرد. ویست‌های تنگ‌نظر را که به جنگ اعتقادات هموطنان خود تقوی می‌کرد او نقدی بی‌دعای داشت که در تمام تعصبات می‌تواند خواننده گلن تو که آثار شریعتی، این بُعد از اندیشه او را نقد یعنی تلاش او برای نزدیکی مذاهب به یکدیگر و اتحاد است. هر اگر نبود این خوشبینی، چگونه گل سنی مذهب تو که هرگز سنی با اندیشه شیعی شریعتی از تعلق برقرار کند.

**بی‌آغوش:** دکتر شریعتی به آن علت در ترکیه محبوب شد و شناخته شدنش به عنوان ایدئولوگ که شیعه در ایران از آشتی سخن می‌گفت و لذا اهل تسنن تر که هم به او اقبال پیدا می‌کرد. حتی می‌توان گفت که شریعتی وقتی از جیل مسافه سخن می‌گفت، دیدگاهش به اعتقادات اهل سنت نزدیک می‌شد. شاعران و نویسندگان بودند و نه فصل گرفتن و لذا در ترکیه محبوب شد.

**مصطفی‌النبی:** از مزایای اصلی دکتر شریعتی این است که او یک متفکر اسلامی است نه متفکر مذهبی شیعی یا سنی. در نتیجه نمی‌توان شریعتی را با پیشگامان فکر مذهبی اش همراه کرد بلکه باید او را یک اندیشمند کلامی اسلامی توصیف کرد. حناورد امام‌علی (ع) را دکتر شریعتی این‌ها را محدود و بی‌سند محبتی که از او توصیف می‌کند نمی‌کند بلکه او را به عنوان یک انسان وصف می‌کند که این که موضوع وحدت اسلامی همواره دغدغه شریعتی بوده و او همیشه برای مبارزه با دشمنان اسلام بر آن تأکید می‌کرده است. شریعتی هیچ‌گاه راضی نبود که مذهبی علیه مذهب دیگر وارد عمل شود. خطابه و اندیشه‌های شریعتی می‌تواند به صورت جدی با اندیشه‌ها و خطابه‌های اهل تسنن همراهی داشته باشد. چرا که اسلام همانند برنده‌ای است که در حال نبرد با یکی شیعه و دیگری اهل تسنن و تازمانی که اسلام را دوست داشته باشید و بخواهید برای آن مبارزه کنید باید از این دو حال برنده به خوبی محافظت کنید. کما این که مرآت اسلامی فقط بر یک مذهب منحصر نمی‌ماند. مثلاً به صحبت‌های شریعتی درباره امام‌حسین (ع) و شهادت او در کتاب *شهادت* می‌توانید شریعتی حادثه را در چارچوب تاریخی اش توضیح می‌دهد و می‌گوید که شهادت اسمی است که باید موضوعیت داشته باشد یا آنجایی که در باره قیام و نقش آن در حفظ اقبال در کتاب *عقاید فاطمه* است صحبت می‌کند. با در کتاب *حجج* که در باره جهاد و نقش قیام آن در زندگی همه مسلمانان صحبت می‌کند. هیچ‌جا صحبت از طایفه یا مذهب خاصی نمی‌کند. شریعتی در ابتدا معنی را توصیف می‌کند قبل از آن که به مفسرین بپردازد. او قبل از هر چیز درباره پوشش صحبت می‌کند سپس به فلسفه کبریا، حیرت‌آلود و مفهومی اعجاز و تعجب‌برانگیز و حضرت اسماعیل می‌پردازد. هر حرام شریعتی بیش از دوران حیاتش حضور دارد. همان‌طور که امام‌حسین (ع) به همین گونه است. قانون فلسفی ای که بیان می‌کند بیش از هر کسی بر خودش منطبق است. شهادت چیزی بیشتر از یک موضوع است. اساسی این معانی در حیات و مسیره و جهاد و شهادت شریعتی متبلور است و روشنگر بسیاری از جوانان دنیای اسلامی است. بسیاری از آثار به‌جامانده او را خیلی‌ها خوانده‌اند اما این حال هنوز بسیاری از جوانان افغانی ما با آن همراه نشده‌اند. هنوز اندیشه‌های جهادی و روشنگری اسلامی در جوامع ما پنهان و وجود زمین‌های برگیری بر سر غیرت، قیام، استواری و سبب به آن کوتاهی می‌شود و این مسئله اخلاقی و معنوی است و از انقلاب‌هایی مأمور دهنده‌تر از می‌دهد.

مصطفی‌النبی  
اندیشه‌های علمی  
شریعتی از ادب  
تاریخ به فضایی  
فکری روشنگران  
کشورهای عربی  
راه یافتند در گام اول  
پهناهای از تبادلات  
تاریخی که شریعتی  
با انقلابیون  
انجمن‌های بی‌طرف  
کرد، آنها نخستین  
کسانی بودند که با  
اندیشه او از نگاه  
برقرار کردند. امام  
دوم اشعاری از  
نظریه ترجمه‌های  
صورت گرفت که  
زبان‌شناس و منطق  
مصری، مرحوم  
ابراهیم انصاری  
شنا، از کتاب‌های  
شریعتی به عربی  
ترجمه کرده است.





بی‌آغوش



برحق و باطل



عقاید فاطمه



حجاب و عفاف

شریعتی در  
زمان عجیب بود  
ترجمه می‌داد که  
کتاب‌های خود را با  
مستعار منتشر  
کرد.

«



حجاب و عفاف



عقاید فاطمه



حجاب و عفاف



حجاب و عفاف



# شریعتی در جهان

حرف‌نویس نائیر گذاری اندیشه علی شریعتی

## قرائستان



علاء القوری، علی شریعتی حدود ۱۰ سال قبل توسط دکتر صفر عبدالله استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آلمانی قزاقستان به زبان روسی ترجمه و با استقبال بسیار خوبی در قزاقستان و ترکمنستان مواجه شد. ترجمه روسی این مقاله نیز هادی شریعتی قزاقستان و ترکمنستان باز چاپ شد.

## افغانستان



شریعتی در کورای گسترش سرگشتهای جنسی و گناه مسلط و در یکی ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹ افغانستان در شو تسلط دیگر سربانی ایدولوژیک سنی از بانک و جنبه مارکسیستی از جوانی و نگاه شداریتی و شادتر جنگ افروزی و به پستی سالان افغانستان بیرون رفته در حال های روشنگری در افغانستان واقع شد.

یکی از گروه‌هایی که آثار شریعتی را به افغانستان باز کرد گروه روحانیه شهر افغانی، عزیز سید پوش بود که به میزان آن هزاران معروف بودند و به رسم سید جنگلی آریای سید می نوشتند و انکوشان سیدک خیال بود براین اولین بار آنها کتاب چند باره گردان شریعتی را بطریق می گرداند.

در آستانه کودتای روسی سال ۱۳۵۴ میلادی و بعد از آن شریعتی در میان حلقه‌های واکلی همرازان افغانی و خدمتگزاران افغانستان هم همکاران آلمانی ۹۰ که هر دو مترجم است اینست نوشته وادانگر می و جزویت میادعیس شد چنین از آستانه لایحه‌ها را و جزویش بدین می بودند که در قزاقستان امر شریعتی را نیز افغانستان مطرح کردند.

پس از سال ۱۳۵۴ گروه‌ها و امراتی مثل حضور در مسکن‌های ۵۹ در اب روشنگری (مجموعه) تحت تأثیر افکار شریعتی در افغانستان شکل گرفتند.

یکی از اندیشه‌ها در این باره که سید علی افغانستان مقاله گوید هزار گشته خود را تحت تأثیر شریعتی در روزنامه همکاران و «میلاد» نوشت که افغانی گسترده و در مناطق جنوب افغانستان داشت.

پاک روشنگری شیعه افغانی در سال ۱۳۶۴ که من در پارک‌ها کوهستانی فرم‌ها و اجتماعات مسعود افغانی ملی افغانستان در هر جزای ۹۰ حاضر می بود نام استفاده از و آزادی اخبار را آثار شریعتی جزیره بر سرهای اسلام‌شناسی شهید برای معاندین آفرین می شد همه راه‌ها و کتاب‌ها و دعوی کسی این گفت علی شریعتی هنگام صحبت شریعتی او با استفاده افغانی از او همه می گفتند به دلیل داشتن



بنامه یکی از گروه‌های افغانستان در سالگرد دکتر شریعتی

## زبان

کتاب اولاد زمین‌دانی دکتر شریعتی در زبان ترجمه شده است. همچنین این کتاب‌ها در کشور این قزاقستان و ترکمنستان اسلام‌شناسی هستند.

## مالزی

کتاب حج بنی‌عربی به زبان های مالزی و اندونزیایی ترجمه شده است. اکثر مسلمانانی که در خاک مالزی و اندونزی هستند ترجمه‌های خود را نیز همین آگهی‌های خوانند.



## سوریه



مترجمی خلفی و جامعه‌شناس سوریه و اسلام‌شناسه آری باکلی می‌بود که ترجمه‌ها را می‌کرد. مسی شافعی که با او دوست و همکار می‌رفتند نسبتاً آثار علی شریعتی توجه بسیار داشتند و در حلقه‌های خود در سوریه داستان آنها را می خواندند. این توجه نشانگر نزدیکی اسلام‌گرایان و جوانان جب بود که سوره گویه‌هایی مجرب به اندیشه‌های علی شریعتی داشتند. این‌ها و دیگر افکار بنیادگرایان مسلمان و سوادری در ایران هستند.



## مصر

گروه‌های وادیکال اسلامی از جمله گروه «الجهاد» در مصر ساری از شریعتی بودند که اکثر فرقه‌ها و گروه‌های سنی اسلام داشتند که گروه دیگری از اعضای جنبش صبی اسلامی، القیام الاسلامی (که از مترجمان آثار شریعتی در مصر است) می‌گوید: «فکر حسن حنفی نظریه‌ها را به اسلامی در بعضی از مسائل و اندیشه‌های شریعتی در ترکیب سنی حنفی است که در آن این اندیشه‌ها سنی‌گرایان را گسترده است. گروه جنبش اسلامی که خود را «جریانی پیشرو» در مصر می‌نامند در سنی‌هاست مقالات زیادی در مجله‌های شریعتی منتشر کرده است. این مجله‌ها بعضی آثار شریعتی را ترجمه کرده‌اند. در خصوص ترجمه آثار شریعتی می‌گوید: «من می‌خواهم بدانم چرا کتاب دیگران را ترجمه کرده‌ام و چرا ترجمه کتاب‌های شریعتی را نه؟» «این مجله‌ها و نشریه‌ها در مصر بسیار گسترده هستند و شریعتی در سیرا ۱۰۰ هزار نسخه در مصر به فروش رفت. وقتی در سال ۱۳۶۵ حلقه کتاب از دکتر شریعتی را ترجمه و انتشار کردیم یکی از دختران در قیرو سالی مدت‌ها به تحصیل بود. معلوم شد که او را انداخته و به او پیام داد که ما چشم‌پوشی را ترجمه کتاب‌های دیگری از علی شریعتی هستیم.»



### لبنان

## 80s

ترجمه کتاب‌های علی شریعتی در لبنان همزمان با نشر کتاب‌های او در دهه ۸۰ میلادی آغاز شد. کتاب‌های او گشت به خوبی در میان جوانان لبنان پخش شد و از آن پس به زبان عربی ترجمه شدند.



از دهه ۸۰ میلادی به بعد از انتشار کتاب‌های شریعتی در لبنان ترجمه‌های متعددی از آثار او به زبان عربی در لبنان منتشر گردیدند. از ۲۰۰ عنوان کتابی که از او منتشر گردیدند به جز دو کتاب همگانی به چاپ نرسیدند.

### انتشارات المصور

مداخلی و بعد از انتشار ۲۰۰ عنوان از کتاب‌های شریعتی مجموعه‌های کتابی از علی شریعتی را از یک مجموعه ۱۰۰ جلدی، مانند کتاب‌های «تاریخ و تمدن» و «۱۰۰ سؤال مستتر» در لبنان عرضه گردیدند. از ۲۰۰ عنوان کتابی که از او منتشر گردیدند به جز دو کتاب همگانی به چاپ نرسیدند.

### تر دانشگاه آمریکایی

بیرودیکال با همکاری انتشارات آمریکایی (AUB) از آنکه شده در باره مطالعه تطبیقی میان علی شریعتی و الاهیات آلمانی بحثی را در ۱۹۷۰ میلادی منتشر نمود.



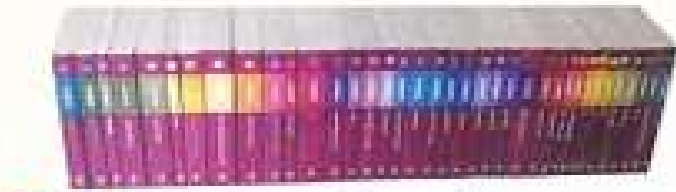
این برای اولین بار در لبنان و دانشگاه استانبول گردید.

پایان نامه‌های علی شریعتی است که چگونگی این نوع اقدامات و مدل‌های آموزشی در ایران و تلاش برای اصلاحات در آن کشور و روش‌های او در این زمینه و روش‌های او در این زمینه و روش‌های او در این زمینه.

ترجمه‌های کتاب «کتاب‌های شریعتی» در ۱۹۷۰ میلادی در لبنان آغاز شد. این کتاب‌ها در میان جوانان لبنان به خوبی پخش شدند و از آن پس به زبان عربی ترجمه شدند.

## ترکیه

انتشارات طبری در ترکیه با نشر آثاری از علی شریعتی به زبان ترکی استانبولی در دهه ۸۰ میلادی آغاز شد. این کتاب‌ها در میان جوانان ترکیه به خوبی پخش شدند و از آن پس به زبان عربی ترجمه شدند.



## 70s

در دهه ۷۰ میلادی در ترکیه برخی از آثار و آثار علی شریعتی به زبان ترکی استانبولی در دهه ۷۰ میلادی آغاز شد. این کتاب‌ها در میان جوانان ترکیه به خوبی پخش شدند و از آن پس به زبان عربی ترجمه شدند.



در دهه ۷۰ میلادی در ترکیه برخی از آثار و آثار علی شریعتی به زبان ترکی استانبولی در دهه ۷۰ میلادی آغاز شد. این کتاب‌ها در میان جوانان ترکیه به خوبی پخش شدند و از آن پس به زبان عربی ترجمه شدند.



## بلکان

بلکان در دهه ۷۰ میلادی در ترکیه برخی از آثار و آثار علی شریعتی به زبان ترکی استانبولی در دهه ۷۰ میلادی آغاز شد. این کتاب‌ها در میان جوانان بلکان به خوبی پخش شدند و از آن پس به زبان عربی ترجمه شدند.

## فرانسه

فرانسه در دهه ۷۰ میلادی در ترکیه برخی از آثار و آثار علی شریعتی به زبان فرانسوی در دهه ۷۰ میلادی آغاز شد. این کتاب‌ها در میان جوانان فرانسه به خوبی پخش شدند و از آن پس به زبان عربی ترجمه شدند.

## تونسی

تونسی در دهه ۷۰ میلادی در ترکیه برخی از آثار و آثار علی شریعتی به زبان تونس در دهه ۷۰ میلادی آغاز شد. این کتاب‌ها در میان جوانان تونس به خوبی پخش شدند و از آن پس به زبان عربی ترجمه شدند.

## پاکستان

پاکستان در دهه ۷۰ میلادی در ترکیه برخی از آثار و آثار علی شریعتی به زبان پاکستانی در دهه ۷۰ میلادی آغاز شد. این کتاب‌ها در میان جوانان پاکستان به خوبی پخش شدند و از آن پس به زبان عربی ترجمه شدند.

## گامبیا

گامبیا در دهه ۷۰ میلادی در ترکیه برخی از آثار و آثار علی شریعتی به زبان گامبیا در دهه ۷۰ میلادی آغاز شد. این کتاب‌ها در میان جوانان گامبیا به خوبی پخش شدند و از آن پس به زبان عربی ترجمه شدند.



# شاگرد کناره گیر من

در بازه شاگردی که نه تنها رسم هجرت

که رسم غربت و کناره گیری را به تبر به جامی آورد

۱

روز ۱۵ مه سال ۱۹۶۶ بود که علی شریعتی دانشجویی را ترک کرد. هنوز جوان بود اما کشورش برای او غیرقابل تحمل شده بود. گذر بر آن بود که شریعتی یک ماه بعد در روز ۱۹ آذرماه فرانس و در شرایطی پر اوهام از دنیا برود. حدود ۵ سال پیش از آن همین مرد هجرت کرده - که سر نوشتش هنوز هم مبهم است - در سمینار مطالعات عالی علوم اجتماعی من شرکت کرده بود. همچنان اسوس می‌خورم که چرا او کتب نگردم و بیشتر با او تبادل نظر نگردم. او نه تنها رسم هجرت بلکه رسم غربت یا «کناره گیری» را نیز به جامی آورد. در ایران بر خیل گسترده‌ای از مخاطبان تاثیر گذار بود. اما در پاریس خود را زیر طغیان سلفه‌مداری کرده بود. به ندرت در مساعی وارد می‌شد و جره‌های که در میان جوانان هموطنش داشت - در مجالل عا و در جلسات و کنش‌های نامحسوس بود. در خلالت سن و سالش نوعی جرد و شور در او مشهود بود اما پیش از آن خوب شنیداری‌اش مرا تحت تاثیر قرار می‌داد چیزی که مطمئنا بر آمده از اصل «تلبه» در شیعه بود. در سال‌های بیانی شده - ۵ یا ۶ یا ۷ دهه ۶۰ میلادی - وقتی که جنگ الجزایر به اوج هولناک خود رسیده بود و به سستاری و آسایش‌ناپذیری که سورین در آن واقع است آنگاه نتواند داشت. طغنه روشنفکر فرانسه با ظهور جمعی تصمیم به تجدید نظر گرفته بود. دو کتاب قانون که مفیدمندان را سزاوارتر نوشته بودند برای ماه‌ها اندازه مباحثات‌های سیاسی همچون یکد انگیز روشنفکری بودند. خیلی خوشبینانه بود اگر فکر می‌کردیم که اروپا به صرف ترفی فلسفی‌اش می‌تواند فرور و خودمختاری را کنار بگذارد. در آن زمان اگر از فکر جنگ سخن می‌گفتند احساس می‌شد که این کلمه حقیق خوباره ندارد چنان می‌گردد اما اسلام آفرینایی - آسیایی برای شورشی تلبه بی‌غالبی‌ها منتظر گام‌هاست. شریعتی نیز به اسلام و در وهله اول شیعه باور داشت و در همین راه حرکت کرد. با این حال او به موضوع لاتینک‌ها هم گوش می‌سپرد. او بی‌ملاحظه و در روزگوری می‌خواند. ماسکون بر پایه تلبه از جلاخ سفری معنوی انجام داده و گوریج جامعه‌شناسی نیز در لطفه تلاقی نور کبیر و فیخته فلسفی انتقادی را تشکیل کرده بود. به آنگاه سلفه‌مداری سوزناک در اندام گردید که در غیر کس دیگری مشاهده نمی‌شد. اما در آن هنوز در جنوب و درین حالت بود. احساس نادر که این جوان آسیایی به تعهد شور انگیز سارتر و فلسفی که او در تمامی سارتر آزاد به‌کار داشت در اجرا بر روی سلفه و غیره ایجا کرد به‌شدت توجه نشان می‌داد.

۲

مسائل ایران چندان متفاوت از مشکلات مردم غرب نبود و چیزهایی بود در این کشور تعبیر می‌کرد. تردیدهای ویرانگری بین سنت بازگشت به گذشته و روشنگری وابسته به غرب گرایی وجود داشتند. اینجا و آنجا همان در کبیری بین حفظ شرایط و تغییر در میان بود. اما چه کسی باید تغییر را هدایت می‌کرد؟ آیا سوسیالیسمی باید شکل می‌گرفت که به دنیای بین‌المللی گرایش داشته باشد؟ یا شاید هم فرم‌های سیاسی و خانگی‌تری به میدان می‌آمدند؟ در ضیعیات رنگینی از سوی هر دو طرف پیشنهاد شدند و می‌شد. حلقه هدایت را پیشرو نوعی افرات اشتغال می‌نظر گرفت که خیلی زود در سربوت ظاهر و بغداد و دمشقین گذار شد. ایمان در مردم تغییر دگرده بود و اجماع نبود که از خود آگاه روشنفکران بیرون رفته بارتنگ باخته باشند. اما مبنای آن را داخلی بر سارتر قرار داده بود. جمال عبدالناصر نماز می‌خواند و به مسجد احترام می‌گذاشت اما بدون آنها حکومت می‌گرداد و تلاش می‌کرد سوسیالیسمی سکولار بسازد و فرهنگ



زاک آکو مستین برگ  
چهارمین دبیر و اصلاح‌طلب  
فرانسوی و استاد فلسفه  
سوسیالیسم  
ترجمه سهریلا قاسمی

غرب را به پایار گشتن به الهیات بلکه با نوعی الهیزدن بین‌المللی تجدید کند. در ایران اما سوسیسم توسط رژیم شاه نامد شد و فعالیت‌های مسیح اجتماعی‌اش بر همه عوامل جمعی دیگر برتری داشت. شریعتی به یک انقلاب اسلامی فکر می‌کرد و او خود را به عنوان یک روشنفکر روشنگر شریعتی می‌گرفت و نه به عنوان فردی که اختلافات جزئی که نه است او در مغرب‌نیت ترواوشی از غرب نمی‌دید بلکه آن را در حیطه‌ای ضروری برای هر فرهنگی می‌دانست. او قصد داشت احداث باشد و مردمان‌اش را از وضعیت تشویر و خطرات آبنده‌ای برپشته و بدون گذشته معتبر نجات دهد. بعضی همان وضعیت تشویری که در تمام کشورهای همسایه سایر مردم دنیا بر بر آن ایستاده است.

۳

حالاتی که در زمانی هستیم که شریعتی به کشورش بازگشته است. جایی که مردم با حبس شش‌ماهه به استقبال‌اش می‌روند. بعد از به عنوان استاد پارادکس‌ها منتهی تاریخ فرس می‌دهد. تاریخ سیاسی و جامعه‌شناسی است. در واقع همان چیزی است که می‌خواهد در کشورش‌های متعددی اثر را عقیده می‌کند و بلافاصله گفته‌هایش منتشر و احتمالاً به صورت مجلد درمی‌آید. توله‌اش نویسه مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد. چون حساسات در محتوا و شوک‌آور بودن موضوعات گفتمانی واضح است. مسوولیت شیعه، یعنی در ابتدای روز، شمع سیرخ و غیره از سال ۱۹۶۰ میلادی بخشی از دانشگاه و به‌طور گسترده‌تر طیف روشنفکران و تبعیت‌اش کند. شریعتی به مدت یک سال ممنوع‌الکلام می‌شود. این مرد ۲۴ ساله را این چنین بازتسلط می‌کنند. او در این زمان با مهدی مبارک‌کن می‌گز حسیه از شدت و اثر تهرانی بنامی کند. در اینجا در مورد اسلام‌شناسی سخن می‌گوید. یعنی چیزی که عنوان کتاب جزگی می‌شود. شهواتش بیشتر می‌شود و همین‌طور تعداد حضار. مجلس حکومتی و همان سواک معروفه از چه نگران است که در کزرا تعطیل و استناد را ۱۰ ماه زندانی می‌کند؟ شریعتی به مدتی از دشمن‌ها و سیاست‌ها در خراسان بنام می‌برد و به‌زودی آنجا را ترک می‌کند و به‌صورتی جلاوی وطن و مرگ می‌رود. شریعتی خود را به عمل گریزی و تحولات موانع متعهد کرد. در چشم او انقلاب اسلامی بدون وقوع انقلاب در خود اسلام نمی‌توانست پیش رود. هر مذهب بر غیر مفر نیستی با این چالش‌ها مواجه است. آنچنان که بل ریکور نشان داده‌است چنین وضعیتی از سورین به سمت ابتدای روزی و از سوی دیگر به سمت مدینه فاطمه راه می‌برد. ابتدای روزی عملاً دفاع از ایمان را با دفاع از مباحث اجتماعی می‌آمیزد. در مورد مدینه فاطمه نیز باید گفت در چنین راهی مسوولیت‌های عمومی به نوع تصویرت زیبا و بدون مزاجی زمانی از میدان به‌تر می‌شوند. اینجا ریشه‌های سوسوگاریه و بازگشت به سال‌های طلایی آمد و پس با این حال شریعتی نه به مسائل‌های حلایی گذاشت. بلکه به فرآیندهای سازنده می‌اندیشد و آنچه که در اسلام تحصیل می‌جوید نوعی روش‌شناسی حال است. آموزش غربی بسیار مزایاها معیبری که داشت. او را به سمت تحلیل اجتماعی - فرهنگی و نتایج آن سوق می‌داد. او نیز هفتاد هم‌روشنفکران بسط خود جذب‌دار کسب‌شده‌ها می‌گفت که به‌صورت منفی نشوونده‌ای چه چیزی را در حال کسب‌شده‌ها می‌گفت؟ همان ادعای داترالیستی‌اش را که ظاهر به یکباره آن را در مغایرت با هر مدیعی قرار می‌دهد. شریعتی بکنی یکی همه اینها را از دست می‌کند بدون این که بداند آیا اثر نمی‌روی متفکران چپ‌بین‌المللی گذاشته است یا نه؟ آیا تفاوت‌هاش سیکس‌تله و اشتباه نبودند؟ حقوقت این است که در مورد او نمی‌توان از سیمتو سخن گفت. این معلومه سارتر و سخنرانی که تسویه نوشته بر ایمان به‌حاکمات طبیعت فرستاد. مرتب گرسه و خست‌جنیدی کارهایش را داشت. عمر بسیار کوتاه او برایش جای تفریح نگذاشت. با این حال آثارش هرگز ردپایی از نفس زدن‌های جوانی که در تعقیب‌اش هستند را ندارد. بسیاری از تعابیری که شریعتی به‌کار می‌برد هنوز باقی‌مانده و در تقابل با ایمان سنتی‌اند.

این سخن تر جنبه خلاصه‌ای است که از آن می‌گردد پس از هر که شریعتی را باره او ایرات کرد. او که یک اسلام‌پرو بود. در ۲۷ ژوئن ۱۹۹۵ فراموش‌شده شد.



پروترایف آرت، پاریس، ۱۹۸۰



آصف بیات

استاد جامعه‌شناسی و مطالعات خاورمیانه در دانشگاه پیندن آمریکا

پنداشت‌ها

استادگاه آصف بیات

Ebrahim Aghajari, "A Marxist Ideology of the Iranian Revolution", Marip Reports, no. 102 (1982)

Majid Bayat, "Iran's Real Revolutionary Leader", Christian Science Monitor, May 24, 1977.

آصف بیات، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه برکلی، A. Sharifi, Marxism and Other Western Fallacies (Berkeley: Mian Press, 1982).

M. Bayat, همان جا

آصف بیات، نویسنده مقاله موجود

در شماره ۱۰۰ شماره ۱۰۰ شماره ۱۰۰

مجله نقد و نظر بر شیعه و مارکس

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی

تعدادی از نویسندگان مارکسیستی



# شریعتی و مارکس

تا سیر زنگ چنگ جنگلی، سرخس از راهین بود، دامن حلق کاشش ز بهشت بر گشیم قهرمان شان بود.

روشنفکری به ظاهر عمیق شریعتی در کنار موضوع سیاسی و اجتماعی بود که در آن شورشها آکنده از تنش و سرگرمی، روح محافظت را تسخیر می‌کرد. بازتاب چنین روشنفکری‌ای را شاید می‌توانیم بر روی این حقیقت درک کرد که روشنفکران ایرانی از آن زمان تاکنون (سال ۱۹۹۰م) تنها یک ارزیابی انتقادی جدی از آثار او منتشر نکرده‌اند. اگر سوسی دیگر موضوع سیاسی شریعتی را می‌توانیم استکرا از محبوبیت گسترده او در جریان انقلاب هند سلطنت سال ۱۹۷۳ ایران در بخت، آنجا که هر از آن تبار از سخنش بی‌جا و نیز جزوه‌های او در میان جوانان مسلمان دست‌به‌دست می‌شدند. او را در فرانسه از مرزهای ایران رفتن و تحلیلی از آن به انگلیسی، عربی، آلمانی، فرانسوی و زبان‌های دیگر ترجمه شدند. او را یکی از برجسته‌ترین روشنفکران اسلامی معاصر خوانده‌اند.

## ۲

علی شریعتی سال ۱۹۳۳ در روستایی در شمال غرب استان بهمن‌آباد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش را همان‌جا به پایان رساند. <sup>۱</sup> سال‌هاش از خانواده‌های ملاک بود و پدرش وکیل و متفکر اسلامی مشهوری در آن خطه که متفکران انقلابی مدرن را به شاگردش معرفی می‌کرد. پدرش فرهنگت خدایرستان سوسیالیست را شکل داده بود که عمرش چهل دوام داشتند. علی از اعضای فرهنگت بود و همان‌جا نخستین آموزه‌های انقلابی انتقادی‌اش را آموخت. <sup>۲</sup> علی دوران تحصیلات دانشگاهی‌اش در دانشکده تربیت معلوم مشهد عربی خواند و سال ۱۹۵۶ دیپلم حقوقی دریافت کرد. سوسیالیست را ترجمه کرد و در سال ۱۹۵۸ به تهران مهاجرت کرد. <sup>۳</sup> شهرت پدرش اسلام که متفکر و محقق، خواجه‌های نخستین بود. شریعتی در دانشکده مشهد تعویب زبان‌های عربی و فرانسه‌اش را ادامه داد. هم‌زمان هم‌راه با فرهنگت پدرش درگیر احیای گروه خبر فکری جنبه علمی شد که پیش ترها در اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی، نخستین روز ملی گرایان ایران،

۱  
سپاری علی شریعتی و ایدئولوژی که با «مجموعه انقلاب» ۱۹۷۹ ایران توصیف کرده‌اند. <sup>۴</sup> گروه روشنفکر خواجه‌شده روشنفکری که روشنفکر اسلام‌گرا، مارکسیسم و دیگر حقیقت‌های غربی <sup>۵</sup> را تسخیر می‌کرد. نقد گروهی هم‌نفسه مسلمان اسلام‌گرا، که هم‌زمان تحت تأثیر متفکران اجتماعی مارکسیستی بودند. <sup>۶</sup>

او سرقت شریعتی در دهه‌های گوناگون و پادشاهان دیدگاه ایدئولوژیک میلیون‌ها جوان را تسخیر کرد. کمتر انقلابی هست، شریعتی بر روی محافظت از ایدئولوژی یک ستم‌سخت و نامتعلق می‌باشد که در طریق مارکسیسم اسلام‌گرا، منطبق علی بر گرفته از علوم اجتماعی مدرن، تفسیری که روحانی سنتی مسلمان سرزدند. <sup>۷</sup> او را یکی از برجسته‌ترین روشنفکران ایران در اواخر دهه ۷۰ میلادی که دانشجو جوان دانشگاه‌های تهران درگیر ساختار اسلامی‌ها و جنبه‌ها علیه هم‌دگر بودند. من می‌دانم دانشجو جوان مسلمان، در چهره برای به گرمی انسانیت بحث‌های آنتونی تانگ، کمپین به نامی به آموزه‌های معلوم <sup>۸</sup> نکرده می‌کنند. آن زمان هر از آن که ایدئولوژی یکی سازمان خویش را داشت، جلالتش را جمع مطالبش را در کتابخانه‌اش را که گروهی درهای را نشانه‌هایش را بر پوشش، و از همه مهم‌تر گفتارهای مشاور، هر نوع این گروه‌ها در این فعالیت‌ها مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت بودند. <sup>۹</sup> با این حال بعضی وقت‌ها در مواردی خاص مجبور بودند به دلایل ناگزیری با هم‌دگر متحد شوند. <sup>۱۰</sup> متلازم بر نامه‌های برخی از اعضای آنها، آمارکسیسم و فعالیت‌های سیاسی مشابه اینها، هر دو گروه هم‌قهرمان‌هایی داشتند. ما قهرمان‌های خودمان را داشتیم و آنها قهرمان‌های خودشان را. <sup>۱۱</sup> هم‌راهی هر دو جنبه‌ها، مانع از شناختن هم‌دگر نبود. <sup>۱۲</sup> مارکس، آنتونی، کاستر و پائول، چه گوارا، مائو و آن‌های مشابه اینها، قهرمان‌های اینها بودند. <sup>۱۳</sup> هم‌راهی قهرمان‌های ما با گروه سوسیالیست، جزو محور و متفکران هستند. <sup>۱۴</sup> بودند. <sup>۱۵</sup> علی از جمله آن‌ها، <sup>۱۶</sup> انقلاب لائوس و کامبوج، <sup>۱۷</sup> مصر گرفته

محمد مصدق، پادشاه گدازنده بود شریعتی و رفقایش باستان کارشان هشت ماه را در زندان گذرانیدند.

سال ۱۹۵۶ به پاریس رفت که آن زمان پایتخت کشوری استعمارگر بود و چند سلسله را آنجا گذرانید. تقدیر این بود که این سفر نقطه عطفی در فعالیت‌های سیاسی شریعتی و جریان روشنفکری ایران باشد. این دوره همزمان بود با مبارزات ضد استعماری سرسختانه در سرزمین دنیا شروع کرد به خواندن فلسفه در دانشگاه سوربن، جذب فعالیت‌های سیاسی دانشجویی و ضمیمه‌بالیستی شد. دو نشریه فارسی زبان ضد حکومتی را سردبیری کرد و کتاب‌هایی از نویسندگانی تندرو و مارکسیست و نیز آثار فلسفی را ترجمه کرد. کسلی چون عمر آیزن‌گن - چه گوارا در آن زمان سارتر، پطرس قاتون، لئوپولد گوستیون، آژ سوگن مشهور عرقل اسلامی و علاقه‌اش به شرق‌شناسی و فلسفه را در کتاب او آیین کاتولیک بیشتر شد. همچنین دم‌چهر نظریات جامعه‌شناسی فرانسوی چون ریمون آرون، روزنه گزدری، پیز بولین و به خصوص متعلق‌دان برجسته فرانسوی روزنه گزدری، شرح شد.

سال ۱۹۵۵ به تهران برگشت و در جایگاه فعالیت‌های سیاسی‌اش در خارج از کشور هشت ماه زندانی شد. طی بدال‌های بعدش پنج سال را در مشهد به ترمیمی در دانشگاه طبابت گذرانید و بیشتر باقی عمرش را در تهران، جایی که خلاقی‌ترین دوران حیات سیاسی و روشنفکرانه‌اش را آغاز کرد. از ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۲ در حسینیه ارشاد سخنرانی می‌کرد. کتب فلسفی بی‌توجهی در شمال آن زمان تهران سخنرانی‌هایش با به صورت نوار تکثیر یا در چند ده جلد چاپ شدند. مهم‌ترین شان «فلسفه‌شناسی» بود. در چند مجلد این نوارها و کتاب‌ها به صورتی گسترده میان جوانان مسلمان دست‌به‌دستی شد.

سال ۱۹۷۲ حکومت پهلوی این که حسینیه ارشاد با توقیف و بازگذاختن مجاهدین خلق - گروه اسلامی تندرویی که مبارزه مسلحانه علیه حکومت شاه را شروع کرده بود - متوقف است. آنجا را تعطیل کرد. پروتد ابراهیمیان، تاریخ‌نگار ایرانی، معتقد است روحانیان محافظه‌کار ایران هم در متوقف شدن سخنرانی‌های شریعتی نقش داشتند چون این هراس را داشتند کاری که شریعتی می‌کرد به ترویج اسلام بلکه تبلیغ فلسفه‌های غربی به خصوص جامعه‌شناسی مارکسیستی است. «مترجمین حسینیه ارشاد» یعنی مستگیر شد و به او اتهامات تبلیغی با مجاهدین خلق را زدند. ۱۵ ماه بعد از زندان از آمدن به محض از این‌ها مجموعه مقالاتی از او در روزنامه کدمل انتشار گیران منتشر شد. این مقالات را با عنوان «فلسفه اسلام و مارکسیسم» به شریعتی نسبت دادند. سال ۱۹۷۷ موفق شد از ایران خارج شود. یک ماه بعد از رسیدن به انگلستان، به جز مشکوکی در لندن جایی سپرد. در تهران آن زمان، ماجرا گر اها و دارو دسته‌های اسلامی - مطلقاً هیچ شکلی نداشتیم که سواک‌ها در هر گاه نقش داشته، اگر چه مقام‌هایی در بنادری ادب از کسلی و اسکندرقلی شدید می‌خوانند. تلاش هر چه بود تصدیقش باید کرد. در مذاکره می‌افتاد که شریعتی به خلاف ایدئولوژی‌های محافظه‌کار، «محمودیتش را بیشتر کرده و شریعتی را از بد نظرها از کسلی بدل به اسطوره‌ای معنوی کرد.

### ۳

بالین که گفتار اختلاف نظری در مورد نقش آیدئولوژی‌ها و سیاسی شریعتی و نیز محبوبیتش وجود دارد، جوهر موضوع آیدئولوژی‌ها و سیاسی او - و نیز دیدگاه‌های روشنفکرانه‌اش - محل بحث بوده‌اند. تحقیق‌ترین که نوعی اشتقاقی و ایدئولوژی مارکسیسم اسلامی<sup>۱۱</sup> او را و تلاش را برای استفاده از مفاهیم مارکسیستی مدرن، خاصاً همچون «میدان‌دکشی طبقه‌ای»، «مبارزه طبقاتی»، «جنگل بین طبقه‌ها»، «ظهور پارادوکس» و غیره و برقرار کردن رابطه میان این مفاهیم با آموزه‌های بزرگانی شیعی نظیر امام علی (ع)، امام حسین (ع) و ابوبکر نقاری شریعتی گرفته است. شریعتی ابوبکر نقاری را نخستین «مدرک‌پرست سوسیالیست» خوانده<sup>۱۲</sup> تا آن روزهای بن‌گش و بحرانی پیش از وقوع انقلاب آیدئولوژی‌های شریعتی در فضای اختلاف نظر مصدق، حبیب‌الله اسلامی، هاشم‌گل گرفته، ایده‌هایی که از یک سو شامل ایده‌هایی برای برقراری کردن او تباطول نظری میان این دو گرایش هم بودند و از سوی دیگر همین را اگر قبلاً کجی و سرگردانی عمیقی کرده

بودند. گویی این که بالاخره شریعتی واقفانه پایبند و طرفدار چیست - انتشار جزوه‌های با عنوان «فلسفه اسلام و مارکسیسم» در سال ۱۹۷۲ بر این کجی و سرگردانی افزود. حدود ۱۰ سال بعدترش من این محل را باقی‌گذاشته و وضعیت اشتقاقی فکری کمتری در چند ماه انگلیسی از همان متن را با عنوان «مارکسیسم و دیگر مفاهیم‌های غربی»<sup>۱۳</sup> خواندم. هر گزاش به همین نام و هرگز یک‌باره مجموعه‌های از آثار او که نشر میزان در بر کسلی کالیفرنیا منتشرش کرده بود. از آنجا که به باور همگان این متن جدی‌ترین بحث او در مورد مارکسیسم است. در این نوشته می‌گویند تا حدی با جزئیات به آن بپردازیم.

### ۴

بعضی کسلی این متن - که نقدی است بر فلسفه‌های اومانیستی مطرح‌شده از جمله مارکسیسم - را بحثی از تصور اسلامی را به یکی از اسلایم بهره می‌گیرد. کتاب در کل شامل چهار بحث کلی است که به صورت به آنها خواهیم پرداخت. یکم فلسفه‌های غربی را بر دو قسم غربی - مارکسیسم و مارکسیسم - منطقی انسان‌مدار که اومانیستی آید، در نگاه تصور انسان را نسبت اومانیسم تصور است. بر اساس مارکسیسم آید، در نظر ما کسلی اومانیسم غربی به نسبت بر چهار چوب اسطوره‌شناسی و باورهای اسطوره‌ای، پستان قدیم تکیه کرد. در این چار چوب اسلایم یعنی ادبی در جریان است. میان انسان و خدایانی که می‌خوانند اسلایم را نیز ضلالت و جهل نگه دارند. پستان قدیم در برابر خدایان اسلایم را می‌بینند و از زنی والا برایش قائل می‌شوند. در نتیجه این اومانیسم فلسفه‌های میان اسلایم و خدایان ادوات متن می‌گوید همه آن اومانیست‌های کسلی تاریخ سازند و «و آنتر تا فوژن باخ و مارکسیسم»<sup>۱۴</sup> در واقع خدایان پستان را که مستمکر و فاعلند، با باورهای معنوی از خدا همچون ایزد ایزد نام دارند. ماسیحا و اقله یکی گرفتارند چون این فیلسوفان به اشتباهی از باورهای اسلایم با خدا و معنویت را تصویب داشتند پس اومانیسم‌شان زمینی و غیر اسلایم و در یکه اعلام‌مدار بالیستی است. تعصبی ندارد که جوهر کمونیستی در تصور اسلایم از انسان چندانی با باورهای با جوهر بزرگانی ندارد. در هر دو همه چیز در انسان به حد متعالی‌اش می‌رسد. هر دو مفهومی طبیعت‌گرا<sup>۱۵</sup> را تأیید می‌کند. هر دو تصویری دیگر از انجمن‌های غربی خدایان پستان شسته چون می‌نگارد اسلایم بنا به طبیعت اسلایم است، و خدایان اختلافی دارد که از ویژگی‌های اختلافی‌اش را مشخص می‌کند. خدایانی که چنانچه خدا شده متن در مخالفت می‌گوید فلسفه‌های اومانیستی غربی که مستای‌شان را بر فلسفه میان انسان و خدایان گذارند نظری از شرک‌گرا کسلی شرقی همچون هندوئیسم، اسلام و یهودیسم آید. این ادیان بر پایه وحشت و رنگارنگی خدایان اسلایم با قاصداً شکل گرفتند و بنابراین اومانیسم‌شان هم اسلایم است.

دو دست در ادامه می‌گوید. چهارم هم این که ممکن است بتواند پذیرفت اومانیست‌های غربی و جریان‌های روشنفکری‌شان در نظرات او را معتقد به از ادیان و رهبری بخشی باشند. اما در اصل و در واقعیت‌شان این چند را از دست می‌دهند. منطقی کسلی بر این نظر می‌کند که «خدا از ادیان و رهبری انسان را از جنگ‌های غیر انسانی کسلی‌گرا می‌سوزاند. در واقعیت، مارکسیسم هم در رویکردش به انسان با کاپیتالیسم مشترک است. مثلاً از طرفداران اسلایم از کسلی‌های شرقی، مائو، مارکسیسم، مصدق‌گرایی و غیره از سوی دیگر، ادیبانی چون مسیحیت اسلام و داتویسم هم از آیدئولوژی‌های رهبری بخش‌های شیعه و پیروان کسلی با روختنی، توبولی، گفتار طبقاتی و مادی در نظرند. در دوره مسالک جمعی، نابوها و خرافات آن سو هم مشابه همین اشتقاق فکله و روح مصدق‌گرایی (که یعنی از ادیان و رهبری روح‌بخش و خرد ایزد) شل شده. کاپیتالیسم، علم‌پوری و اومانیسمی که اشتقاق‌های خودمختاری، فرستقلی و مصدق‌گرا است و در گسترش به اعتقاد، لکن، عشق، معنای وجود و انسان توجهی نمی‌شود.

سو، چون مارکسیسم به خلاف دیگر آیدئولوژی‌های غربی آیدئولوژی‌های جامع و فراگیر است و به اقتصاد، سیاست، اخلاق، تاریخ و فلسفه و از این قبیل مباحث می‌پردازد. قدر تعهدترین و ولیم برای اسلام است و باید تفهیل و حقیق به آن پرداخت. در ادامه متن مباحث فلسفی اصلی



نوعی اشتقاقی و ایدئولوژی‌های اسلامی را و تلاشش را برای استفاده از مفاهیم مارکسیستی منطقی خاصاً همچون «تجرب‌دکشی طبقه‌ای» «مبارزه طبقه‌ای» «جامعه بی طبقه» «اصول پارادوکس» و «ظهور ۵۰۰ هزار کورن رابطه میان این مفاهیم با آموزه‌های بزرگانی شیعی از بر گرفته است.



#### پانویس:

6-M. Akbari, "All Shari'at: The Architecture of the 1979 Islamic Revolution in Iran", Iranian Studies, vol. 46, no. 3-4 (1986), p. 234.  
7- A. Shari'at, Marxism and Other Western Fallacies, p. 21.



شریعتی می گوید فقط اسلام صاحب او مائیسیم حقیقی است. در اسلام، او مائیسیم صمیمی عدا می است از ارزش های الهی در انسان، شامل اخلاقیات و میراث فرهنگی مذهبی اش



مارکسیسم را بر می شمارد تا آن را از اسلام متمایز کند. در انقضای متن اوها می کند که همچون دیگر مکاتب ایدئولوژیستی، مکتب مارکس بر دین تکیه بر پایه فلسفه ایدئولوژیستی بومی بنا شده فلسفه ای که میان خدا و انسان به عوض یکسانی وجودت رویارویی می بیند نگاه اسلام، به عکس، شناخت گرفته از مفهوم وجود خداست. به نظر مارکس، دین بدیده ای است برای عقاید و دانات بر تخریب و فریادگی انسان می کند نویسنده می گوید اما ما در اسلام معتقدیم نبوت و جهنم مظاهریم معقول و علمی اند از منوی دیگر، مارکس چنین بحث را بر ملاحظیم زیرا بنا بر روی نامی همکار داسکل را بحثی از روی نامی بیند و به حد ازیاد و وسایل انرژی می دهد و تپیر را بر سر عمل اخلاق و ارزش های انسانی را به چشم دیده های می بیند کتبی و عاقبتی تعیین نمان می کند مارکس تر و با لغت انسان هیچ استقلال و امالی ندارد. تصویر ی که اسلام به تمامی روش می کند دقیقا به همین شکل نویسنده مارکس را از تپیر می کند که برای انسان جایگاه با همین در تاریخ قابل مشاهده است متن فراتر می گوید در نظریه مارکسیستی انسان منطقا موجودی تاویل است چون اثر دیده و محیط است نتواند تاویل می نه حاصل کنش انسان بلکه آمد از شرایط میان نیروها و مناسبات تولید است متن با جمع می گوید که اگر چنین است، پس این همه شیوه های تاریخ باید در گوئی ها و انقلاب ها چه

سراخر نیم کار این مارکسیسمی که لای نقدی، جمله کاپیتالیسم می زند به ارزش های مشترک کما کاپیتالیسم خوش شده در عمل پایه هر دو نظام کاپیتالیسم کمونیسم بر محوریت کار و تولید است کاپیتالیسم و ظهور و کرسی منطبق با فناوری های پیشرفته، از پایه مطلق از حرکت اقتصادی و عمارت کاپیتالیسم است آنچه اکنون به نام کاپیتالیسم نقد می کنند، در واقع نظام کمونیسم و نهایتا خود مارکسیسم است آنچه نویسنده مارکس کاپیتالیسم متمایز می کند این است که هر دو یکی یک طبقه حاکم (پروژوا) صاحب ابزار های تولید است یا بهار تن را بر دست دار دما را تالی میار دست دولت است

چهارم، متن در مخالفت با یکی از جمله های گوید فقط اسلام صاحب او مائیسیم حقیقی است در اسلام او مائیسیم مجموعه ای است از ارزش های الهی در انسان شامل اخلاقیات و میراث فرهنگی مذهبی اش بر پایه مفهوم اسلامی وجود اله انسان جمع بخش های است که روحش ذاتی و نگاه دار دین مبنی و انسانی، حاکمی و خدایی و نیز الهی بر او استجاب یکی و کنار گذاشتن دیگری متن این طور اشاره می یازد که اولاً در اسلام اصالت انسان نه آمده از خود که فقط و فقط از رابطه با خدا است؛ ثوما انسان تقدیری دارد سوخت انسان حق انتخاب دارد داشتن حق انتخاب این مسئولیت را به گردن انسان می اندازد که خودش را از مرتبه حال بر بگذرد و به سوی یکسانی با خدا حرکت کند تصویر بسیار شبیه مفهوم هگلی اینها در مطلق که طیفی از هرچی تا جمل شدن به همه چیز را شمر می گیرد برای شریعتی این مسئولیت مفهوم بسیار حساس و مهمی شریعتی می خواهد دلالت های آن را از محدوده فلسفه و فناوری به هر حدیست سری بندد از همین رو است که کل توسعه های جهانی سوم را و متخاصمان را بر می گردن خودش از ادوات خاک و پودل شدن به هزاران خنای زمین «فرمانی خواهد به ره های و دستگیری این دیدگاه شریعتی همیشه به دستاره هگلی مارکس در مورد تشکیل طبقه از حق خود به هر ای خود است»

هموزمان، مسئولیت ها که در خودمان دلاکتیو استقلال از غیر هم مارکس تلقین بران که معنایش استقلال فرهنگی سیاسی و فرهنگی از غیر است استقلال که خودش را از زبان سیاست بر و شریعتی در راهبرد همه شریعتی به نومی «من داند نه کاپیتالیسم نه کمونیسم بلکه همان گشت به خود»



این متن بدون شک منتشر شده تا قبل از نقدی که در ابتدا از یک موضوع بالای اسلامی بر فلسفه های ایدئولوژیستی غربی و بخصوص مارکسیسم طبع شد متن این حس را به اتم می دهد که بعضی نویسندگانی نوشته شده که در عین علاقه و تابستگی شده به سنت های فکری بومی خود، به خوبی آگاه و مستعد بر جریان های فکری غربی و رفیق علم هست آن زمان فر اواخر دهه ۶۰ میلادی، جنبه ازشاد مسیحی های می باشد و مدرن

فر یکی از محلات شمالی مراغه شریعتی ایران انقلابی که که شریعتی در آن سخنوری می کرد به او جمعیت سر بر می شد نه فقط هو مسلمانان کشور بلکه جنبه گمراه ها هم. آن زمان ما این توانستیم سوسیالیست جان را دانش شریعتی از مارکسیسم بچنان کنیم. شاید نقد به ظاهر فراد و در کنترل موضوع میانی و اینها گشتی باشد که باعث شده علی شریعتی از گذار برین اندیشه شد انقلابی بر تاریخ متأخر ایران بخطر براند

با این حال اما همان کمونیسم دیگر مسئله های غربی است و معنی ها و معانی مهمی در روش سلسله ای جمله با بدیهی های جدی تر خوانش از مارکس در دانی که عوارض کلین میانه است کتاب است با این شروع کنیم که اگر معنای ایده استقلال ایدئولوژی یک مفهوم فکری ایدئولوژی از دیگران است موضوعی که بعضی معاصرانی که «علوم اجتماعی را میسر کرد تا دهه ۶۰ هم دارند، کسانی که اولویت و اهمیت را به ایده های اصلی متعلق بنان می دهند آن گمانند کمونیسم خود شریعتی تا حد قابل توجهی از جریان های فکری غربی به نام کرفشاد هگلی تا حدی که و مارکس گفته این است که نام گرفت اینها و نقلی به خارج از شکل تاریک است تا وقتی که می رها باشد

یکی از مباحث های اصلی متن طبقه مارکسیسم بر و با بود به تصور متأخر از دین و انسان بیست و خلاصی از معنی شریعتی در این زمینه از که گردید به گشت می نقد او در این مورد به لحاظ روش شناختی مشکل حل است او این که همچنان که شریعتی تحقیق می کند تصویر مارکس از دین مارکسیستی بود به نظر ما مارکس شریعتی اجتماعات سیاسی اند که اینها ساختار ها و نتواند تپیر شکل می دهد در واقع مارکس کما کما متفقد تحلیل الهیاتی و اجتماعی فواریج مسیحیت بود شریعتی اما گوشش بر ای از شریعتی در رد اعتقاد این نظر به مارکس نمی کند عودا اشکالات مارکس در نقدش بر دین عموما به دلالت های اجتماعی و سیاسی اجتماعی مسیحیت آن دوران است، دورانی که اجتماع علی شریعتی هو قبول می گردد شش مخالفت کار که کپیتالیست در رابطه با طریقات فروست بر کسی پوشیده نیست

راست است که دانش مارکس از دین عموما به مسیحیت و یهودیت بود او چندان با تپیر شریعتی آشنا بود اسلام عینا کما کما کاپیتالیسم و غیره نقد نظریات مارکس را بر می گردانید، اگر قرار است با دینش و قابل دفاع باشد باید به یاد داشت محدود و قابل تپیر حقیقت است که این است که بسیاری از منتقدان مارکس می خواهند تصویر او را از این به کل از دین تعمیم بدهند و بعدیات همین نقدی کتبی روشن است که چنین نقدی اعتباری ندارد به علاوه چنین تعمیمی آشکارا کار کرده گریانه است نه مارکسیستی چون بنیان روش سیاسی مارکس بر مفهوم نظام بنا شده و این حال بخلاف و این با دین مخالف بودند اما همچنان که وی حتی گریه مان، تاریخ نگار برینگونی می گوید آنچه باعث مخالفت شدن وجود «جمعیت کمونیست» حقیقی در روسیه بود عموما گرفتار تعصبات تپیر سرشار از خرافات تجلی که همیشه تا حدی با دین در خدمت اهداف تپیر ها بودند»<sup>۹</sup>

در واقع مارکسیست های طرفدار مارکسیسم مارکس می گویند چون ای بی نامیسیون، جورج تامسون، یل سونبری و یل ایزن<sup>۱۰</sup> بی هیچ شکی اعتقاد می کنند که هر جنبش مذهبی ای هم جنبه بشری و هم جنبه الهی است از نجامی تپیر بر ای همین است که جورج تامسون همان سال ۱۹۹۹ می گوید «هم مسیح دارم، یکی از آن خاکشان و یکی از آن روحان»<sup>۱۱</sup> لطفا تقسیم کردن شریعتی از سوی علی شریعتی به دو دسته سفوی (شیعه) استغراب و سونبری او علوی (شیعه) مارکس و نویدها چندین بی شرافت به حد که تامسون در مورد مسیحیت است

تصور مشخصی از این توانگنی را بهر از هر جاسی تپیر به روشی در مسیحیت کپیتالیست از یکی لاین به کپیتالیست مخالفت کار و کپیتالیست را به کمال دیده و به دلیل اهمیت چنین اعتقادی و عینش دو گفته جنبش های دینی است که مارکسیست مذهبی چون گنوگمن در بریتانیا و یل ایزن و یل سونبری در ایالات متحده شروع به گفتگو و مکتبه با مسیحیت شرفی کردند

در پرداختن به تصویر مارکس از انسان و دین، متن شریعتی عموما تپیر نقدش را بر ایده مارکس قرار داد بر بدیهی و روشی گذار و به نظر من نفسی

۸- نگاه تصویر

Tom Bottomore et al., eds., Dictionary of Marxist Thought (Oxford: Basil Blackwell, 1984), p.415.

۹- نگاه کتبه E. P. Thompson, The Making of the English Working Class and/or Pelican Books, 1963 (1968) George Thompson, an Essay on Religion (London: Lawrence & Wishart, 1949)

۱۰- نوشته های سونبری در شماره های بهشتی از Monthly Review نشریه سوسیالیستی مستقل ۱۱- نگاه کنید به کتاب جورج تامسون صفحه ۶

متن از این مفاهیم بسیار ساده‌انگارانه می‌آید متن کمالیست صرفاً به یکی از نوشته‌های بسیار نقل شده و گوایه مارکس (احتمالاً خود صفحه نگیه دارد) پیشگفتار او بر کتاب هفتده‌های بر نقد اقتصاد سیاسی<sup>۱۴</sup> که در آن مارکس نظر بخش در مورد ماورای‌المسائل یعنی راجع به بنیادین کردن داماد نظام‌اش و جزئیاتی از آن به دست‌خداست. به نظر می‌آید متن یعنی نویسنده تر بعد هر کدام از اجزای روسا را نقل دین بر راه و رسم و رفتار- سبک است فرهنگ انقلابی و تجربه نه آنچنان چیزی بلکه مشروطه به میزان اقتصادی شیوه تولید به آن‌ها می‌تواند از همین رو است که شریعتی انتقادی کند که دین، فرهنگ و انسانیت انسان به آن‌ها فر و کاهیده شده‌اند اما به نظر نمی‌آید این همان چیزی باشد که مارکس گفته از انقلاب مارکس بر کلیت است چون بر می‌آید که این هر دو به مشروطه به گونه تجربه چیزی است میان اقتصادی است به علاوه در نگاه می‌آید هر دو به «همین» هم مطلقاً یک‌سویه نیست بلکه دیالکتیکی است یعنی اینها دین، فرهنگ و شیوه هم خود ترات گوناگونشان را روی همان اقتصادی<sup>۱۵</sup> می‌گذارند<sup>۱۶</sup> «حالت است که نویسنده در بخش‌هایی از متن تصدیق می‌کند که مارکس بر نقش آنتولوژی، آگاهی و اخلاقیات انسانی صریح گذاشته است مابین حال شریعتی تأکید از قرار دادن اینها و جل خوب کلی نظریه مارکسیستی را می‌کند که نظریه‌ها مارکس منتقدی است. همین به همی در مورد فلسفه یعنی انسان در برابر تاریخ غیر صادق است که من از چهاراد جزئیات نمی‌نویسم

یکی دیگر از مشکلات روش شناختی متن این است که در سر لغز نوشته ایده‌های مارکس با نظریات هم‌بزرگ مارکسیست‌ها مانند هیران، جوامع سوسیالیستی موجود<sup>۱۷</sup> یکی گرفته شده‌اند شریعتی با منتقدین جوامع سوسیالیستی موجود به‌ویژه که نجیب‌الدین‌های مارکس، هیده نقدی‌های لندی و رانگه می‌گوید که خود مارکسیست‌ها علیه اصول‌های گذشته و حالی وارد آورده‌اند که به نام سوسیالیسم و مارکسیسم انجام شده یک‌گانه گر من مارکس، انسان و خودتجرب به‌صورت به‌صورت به نام سوسیالیسم یک‌گانه گر من شریعتی با همه اسلام‌گرایانی است که او منتقدشان بود اگر فقط یک اسلام نامی در پیش فقط یک «هم‌بزرگ» هم‌بزرگ

تو واقع آنچه‌اش اله‌های بشری در «کشورهای سوسیالیستی» کنونی می‌خواند احتمالاً در مسائلی تکنیکال و دور و گزینی معجزات تولید و کار، جنبش‌های عدالتی انسانی، به‌واقع هم‌بزرگی‌های کشورهای کاپیتالیستی و هم‌سوسیالیسم و قلمرو خودتجرب مابین حال باید ناکند کرد که یکی منتقدان این دو نظام را اگر می‌توانستند، به‌واقع سبک‌باز می‌توانستند

باید گفت گونه‌هایی از تند مارکسیسم که ناآشنا در مارکس سخن گفتیم مثلاً نقد مشروطه با مفاهیم «روینا» و «فرینا» و انواع انقلاب‌ها، نقش انسان در تاریخ، مفهوم انسان، شیوه عمل سوسیالیسم و غیره - نهادهای تاریخی هستند انسان‌ها دانشگاهی می‌گیرند هم‌بزرگ مارکسیست و هم‌بزرگ سوسیالیست تاکنون شد و نیز به مارکس بر تاخت‌و‌تند نام فقط معجزات‌شان کارل پوپر، رالف تار نور و ده تا بل و هربرت مارکوزه آنچه فریادگر شریعتی خاص خود او است تلاشی برای قرار دادن اسلام به‌صورت یک جریان دینی، فلسفی و فکری جامع و فراگیر در برابر مارکسیسم است او می‌گوید مفهوم اسلامی جایگزین برای انسان ارائه دهد که در یک جامعه اسلامی جایگزین عرف و معنی می‌شوند اولیسم اسلامی که انسان را نه در رابطه با خود بلکه در رابطه با خدا می‌بندد مابین حال این ایده منحصر به خودی که در سر لاسر متن آمده دارد نهایتاً حد یک معادله‌ای می‌ماند که در نظرش بحث می‌شود نه به جزئیات بر او خسته می‌شود نه دلیلی بر اویش فلسفی می‌شود

۶

در ابتدای این نوشته اشاره کردیم که برخی پژوهشگران، شریعتی را نویسنده‌ای توصیف کردند که تحت تأثیر ایده‌های اجده‌های مارکسیستی و طرفدار ایده‌های جامعه‌شناختی همان‌کس، عالم اجتماع<sup>۱۸</sup> بود اما همان‌کس و دیگر مفاهیم شریعتی<sup>۱۹</sup> که به نظر می‌آید نظام‌ترین بحث شریعتی در باره مارکسیسم باشد، هم‌بزرگ فاصله

و شکنجی آشکار میان شریعتی و مارکس است پس جایگاه شریعتی کجاست؟ آیا هزار کسب و دیگر مفاهیم شریعتی غربی<sup>۲۰</sup> نباید تکرار شده‌اند شریعتی در مورد مارکسیسم است<sup>۲۱</sup> حقیقت این است که اختیار و سبک‌باز بعضی از این متن مورد دانشگاه است

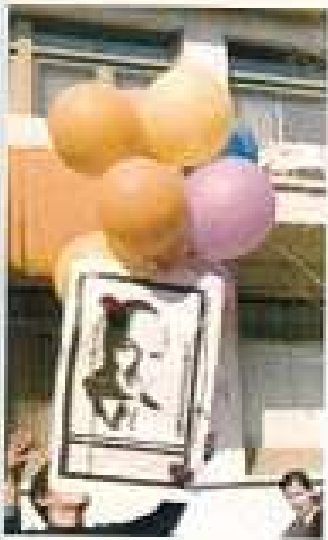
همچنان که حامد لنگر در استاز این مجموعه نوشته‌ها در مقدمه‌اش بر کتاب انقلاب می‌کند سال ۱۹۷۷ که شریعتی از دومین زندان زندگیش از دست رفت یکی از مقاله‌های این کتاب به هم عدم رعایت نویسنده در یکی از روزنامه‌های ایران، «کریه» منتشر شد حکومت شاه کوشید شریعتی را همکار و هم‌دست نظام حاکم معرفی کند آن متن را بعدتر داشت‌ه‌ویدان مسلمان خارج از کشور به‌صورت جزوه و با عنوان «انسان، اسلام و مکتب‌های مغرب‌زمین» عموماً منتشر گردید کتاب همان‌کس و دیگر مفاهیم شریعتی غربی<sup>۲۲</sup> هر دو واقع در حومه همین متن است که آن‌ها را نشر میزان با همکاری حامد لنگر، پژوهشگر مسلمان راه بر پیشانی منتشر کرد اگر عمده فعالیتش را معطوف انتشار آثار نویسنده کلی بر حومه اسلامی و به‌خصوص صاحب‌نظران مذهبی ایرانی کرده است کتبی نظیر این‌ها که خمینی، آیت‌الله مطهری و علی شریعتی

تر واقع دهه ۷۰ در ایران، دو گرایش را تشکیل می‌دهد علیه حکومت شاه فروپوشند اولی گرایش اسلامی که نمونه‌ای از جلوه بزرگ‌ترین سازش محله‌دین خلق بوده موسی رفیعی مارکسیست<sup>۲۳</sup> آنها که فعالیت‌های سازش یافته‌شان در گروه فدائیان خلق نمود می‌رفت حکومت تلاش می‌کرد جلوی هر جور همکاری و اتحاد میان دو گرایش را بگیرد و هم‌هنگام هر دو را مذهبی محاطه کار هم بر نمی‌آید چنین اتحادی نرسید به خودشان راه نمی‌یافتند و در ملاقاتها به‌صراحت علیه مارکسیست‌ها سخن می‌گفتند هنوز حملات نظامی به پاییز سال ۱۹۷۷ آیت‌الله مطهری، آیت‌الله مفتاح امیر نواز حبیب‌الله‌زاده و به‌خصوص مهدی بازرگان، اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی را علیه حاکم‌الریاست‌ها<sup>۲۴</sup> در مسجد قری محله قلعهک در شمال تهران به‌یاددارم اما نوشته‌های اثر لنگر علی شریعتی نهایتاً از طرفه گزینی طرفدار می‌گردد و دست به تفسیر مارکسیست‌ها باستانی چون ملحد با بی‌اعتقاد نمی‌تند در واقع او چه انقلابی را می‌ستود که برای خاطر مستضعفان کار می‌کند<sup>۲۵</sup> «انقلابی اجتماعات بسیار است که آنچه در روزنامه «کیهان» منتشر شد و کتاب نشر میزان ترجمه‌ای از آن است نسخه‌ای جعلی از متن اصلی باشد

حقیقت این است که من سال ۱۹۷۷ در تهران نسخه اصلی این متن را به فارسی خواندم و به‌نظر می‌آید همان کتاب انگلیسی و متن اصلی تفاوت‌هایی قابل توجه در لغت و تأکیدها و همچنین از قلم‌اندازی‌ها و حذف‌هایی وجود دارد مثلاً متن فارسی می‌گوید که من خواندم با نقل قول مشهوری از مارکس تمام می‌شود که همین مارکس هستم، مارکسیست نیستیم که اشاره دارد به سر خوردگی مارکس از همان کسب‌ها و مفاهیمش که ایده‌های او را تعریف می‌کردند در کتاب انگلیسی چنین جمله‌ای نیامده است

۷

پس به نظر شریعتی به مارکسیسم چه بود؟ آیا او در واقع مارکسیستی بود که خودش را هر روزی معطل اسلامی عرضه می‌کرد؟ شریعتی قطعاً مارکسیست نبود اگر چه خودش را سوسیالیست می‌دانست اما با طبیعت می‌شود گفت تحت تأثیر نظریات اجتماعی مارکسیستی بود مفاهیمی کلیدی چون «میان» و «طریق»<sup>۲۶</sup> «مهر»<sup>۲۷</sup> «کشی»<sup>۲۸</sup> «عالم»<sup>۲۹</sup> «مهر»<sup>۳۰</sup> «فرینا»<sup>۳۱</sup> یا «اندام»<sup>۳۲</sup> «مهر»<sup>۳۳</sup> «تاریخ»<sup>۳۴</sup> «هم‌بزرگ»<sup>۳۵</sup> «فرینا»<sup>۳۶</sup> «فرینا»<sup>۳۷</sup> «فرینا»<sup>۳۸</sup> «فرینا»<sup>۳۹</sup> «فرینا»<sup>۴۰</sup> «فرینا»<sup>۴۱</sup> «فرینا»<sup>۴۲</sup> «فرینا»<sup>۴۳</sup> «فرینا»<sup>۴۴</sup> «فرینا»<sup>۴۵</sup> «فرینا»<sup>۴۶</sup> «فرینا»<sup>۴۷</sup> «فرینا»<sup>۴۸</sup> «فرینا»<sup>۴۹</sup> «فرینا»<sup>۵۰</sup> «فرینا»<sup>۵۱</sup> «فرینا»<sup>۵۲</sup> «فرینا»<sup>۵۳</sup> «فرینا»<sup>۵۴</sup> «فرینا»<sup>۵۵</sup> «فرینا»<sup>۵۶</sup> «فرینا»<sup>۵۷</sup> «فرینا»<sup>۵۸</sup> «فرینا»<sup>۵۹</sup> «فرینا»<sup>۶۰</sup> «فرینا»<sup>۶۱</sup> «فرینا»<sup>۶۲</sup> «فرینا»<sup>۶۳</sup> «فرینا»<sup>۶۴</sup> «فرینا»<sup>۶۵</sup> «فرینا»<sup>۶۶</sup> «فرینا»<sup>۶۷</sup> «فرینا»<sup>۶۸</sup> «فرینا»<sup>۶۹</sup> «فرینا»<sup>۷۰</sup> «فرینا»<sup>۷۱</sup> «فرینا»<sup>۷۲</sup> «فرینا»<sup>۷۳</sup> «فرینا»<sup>۷۴</sup> «فرینا»<sup>۷۵</sup> «فرینا»<sup>۷۶</sup> «فرینا»<sup>۷۷</sup> «فرینا»<sup>۷۸</sup> «فرینا»<sup>۷۹</sup> «فرینا»<sup>۸۰</sup> «فرینا»<sup>۸۱</sup> «فرینا»<sup>۸۲</sup> «فرینا»<sup>۸۳</sup> «فرینا»<sup>۸۴</sup> «فرینا»<sup>۸۵</sup> «فرینا»<sup>۸۶</sup> «فرینا»<sup>۸۷</sup> «فرینا»<sup>۸۸</sup> «فرینا»<sup>۸۹</sup> «فرینا»<sup>۹۰</sup> «فرینا»<sup>۹۱</sup> «فرینا»<sup>۹۲</sup> «فرینا»<sup>۹۳</sup> «فرینا»<sup>۹۴</sup> «فرینا»<sup>۹۵</sup> «فرینا»<sup>۹۶</sup> «فرینا»<sup>۹۷</sup> «فرینا»<sup>۹۸</sup> «فرینا»<sup>۹۹</sup> «فرینا»<sup>۱۰۰</sup>



۲

نوشته‌های شریعتی نه‌اند از طرفه گزینی نظریات علمی که نشد به تالیف مارکسیست‌ها با صفاتی چون ملحد با بی‌اخلاق نمی‌تند در واقع او جنب انقلابی را می‌ستود که برای خاطر مستضعفان کار می‌کند

پی‌نوشت‌ها

۱- مارکسیست‌هایی چون ای. بی. لیونین بر کتاب «تاریخ انقلاب ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷» نوشته ویتلین نیز بحث‌هایی در مورد مارکسیسم و فرهنگ می‌گویند در باره مارکس بر واقعیت‌های جهان و جهان را به‌یاد می‌آید و تعدادی از نویسندگان غربی از جمله مارکس، علی شریعتی، احمد گویز، طوفان اسلام ایران، ۱۳۵۹، ص ۱۳۰ و ۱۳۱، حله‌های ۳۳

مشهور طبقه  
تازد شریعتی نه  
ظیفای اقتصادی  
شکل گرفته بر  
میدای منابع  
اقتصادی بلکه  
ظرفی سیاسی  
است بر ساخته  
عوامل غیر مادی  
صمیم اعتقادات  
مذهبی، نهادها  
سنن ها، آداب و  
رسوم و معیارهای  
فرهنگی



یادداشت‌ها

- ۱۳- نگاه کنید به فصل چهارم از کتاب F. Abdolkhan, Radical Islam.
- ۱۴- نگاه کنید به مقاله آقای امین پور، ۲۰۰۶
- ۱۵- نگاه کنید به فصل چهارم از کتاب F. Abdolkhan, Radical Islam.
- ۱۶- کتاب همسایگان در راه اسلام‌شناسی، شریعتی، علی‌رضا، کتاب انتشارات و نشر
- ۱۷- شرحی بر این جهت گیری فلسفی اسلام، ص ۲۷-۲۸
- 18-J. Narumi, Freedom and Unity: Ultimate Ummja (London: Oxford University Press, 1982)
- فصل ششم
- G. Adhering to development and evolution in Historical Perspective (London: Methuen Press, 1982), pp. 64-65.
- ۱۹- نگاه کنید به کتاب حبیب‌الله خان،

که مشخصاً سیاستمدار بود و شریعتی او را کنار دیگر سیاستمداران مارکسیستی چون کرول کانونسکی، انگلس و جنا استالیان می‌گمارد که به نظر شریعتی با اتصال هر دو سیاسی‌شان بر سر آرمان‌های نوده‌های سوسیالیست مواجه گردند. شریعتی مارکس‌های اول و سوم را پس‌زد اما از دومی تمیز گرفت.<sup>۱۳</sup>

پس از خواندن دو کتاب متأخرتر شریعتی، «جهت‌گیری طبقاتی اسلام» و «حکمت و امانت»، شرح او را بسیار به‌نظر مغفول‌تر و پذیرفتنی‌تر می‌آید. در این آثار که به سیاست و اقتصاد اسلام می‌پردازند، شریعتی با گونه‌های نظام‌مند اصطلاحات مارکسیستی با استفاده از کار می‌گوید. در این حال هر چقدر به نظر می‌آید معنایی متفاوت از برخی از اینها هست می‌دهد. مثلاً شریعتی نظریه تناقضات را از مارکسیسم وام می‌گیرد اما نهایتاً راهش را با مصحف پدیدارشناسی گنج می‌کند.<sup>۱۴</sup> اگر چه شیعیان در برخی از چیزها جز هزارگانه‌الاهی هستند مفهومی طبقه را پیش از شیعه تطبیق‌ناپذیر زور کم‌زور، جامعه‌شناسی برجسته شده، ۱۹۶۰ فرانسوا نه طبقه‌شناسی اقتصادی شکل گرفته بر مبنای منابع اقتصادی بلکه طبقه‌شناسی است بر ساخته عواملی غیر مادی همچون اعتقادات مذهبی، نهادها، سنن‌ها، آداب و رسوم و معیارهای فرهنگی. با کم‌زوری چنین سیاسی از طبقه انتقامی کند که در جهان سوم به خصوص در کشورهای مسلمان، آنها طبقه‌ای که نولی ایجاد تغییرات نسبی و رفاهی در جامعه اثرات نه بر رفتار بلکه طبقه روشنفکران است. به علاوه، شریعتی با این که می‌پذیرد میزان بخشی از جرم‌ها را می‌چیند و بداند، اما اعتقاد دارد شیعه مذهبی است بلکه و متفاوت از دیگر مذاهب و ادیان و این که می‌تواند به‌شکل بی‌مانع اقتصادی جامعه را شکل بدهد.<sup>۱۵</sup>

شریعتی نسبت به این طوری که متفکران مارکسیستی را تقسیم نموده می‌کند، متفکرانی بر مبنای از اصطلاح ایدئولوژیکی و توسعه کرد برای او تاستان قابل و قابل صرفاً قابل نهادینه است از میزان و طبقه‌شناسی در تاریخ میان سوسیالان استعمارگران (قابل) و مستعمره‌ها، که این اصطلاح‌ها در آغاز (دانش) انتظار انتظار ظهور خواهد، امام دوازدهم با معنایی نه انتظار متعانه برای برقراری عدالت بلکه سرگت فعالتر در مبارزه علیه باعدالتی‌ها است. در این باره می‌گوید که در آن سوسیالی به آرمان حتمی است شده هم متمایز با مبارزه طبقه‌شناسی میان سوسیالان و مستعمره‌ها است. سوسیالان آن را بعد از انوار سلطه می‌کند (اجتماعی‌های معلومی) و مستعمره‌ها، که بدل به ایدئولوژی از لای و رهایی بخشی و خصم‌های علمی یا شرح.<sup>۱۶</sup>

همچنین به گفته شریعتی، اگر هم گزاره‌ها قابل حال «پروایی» می‌شوند که وجود خدا و روح را انکار می‌کنند،<sup>۱۷</sup> بلکه حکم کسانی است که اسلامی به انجام عمل «شیعی» و مشخص برای رسیدن به آرمان اسلام ندارند.<sup>۱۸</sup>



بر خورده متناقضات شریعتی با مارکسیسم (در مفاصلی و مخالفت با آن) به هیچ وجه در جهان سوم متحصر و محدود نیست. ترویج توده‌های است از گرایش معمول میان روشنفکران زان‌دکال و فعالان سیاسی فلسطینی‌های کشورهای گوناگون که در حال توسعه شریعتی تروا این طوری بر خورده‌اش با کسانی مشترک است که مستقیم یا به‌طور غیرمستقیم هم‌اگر باشند طبقه‌شناسی از فرانس فانون، و اما به نظر او شامل می‌شود تا قوم و نگر و سوسیالیست سیر به کسانی، این بلا و دیگران در دوران بعد جنگ دوم جهانی این‌ها طری‌های سیاسی اقتصادی «جانبگرم» می‌باشند که به نظر می‌آید از سوسیالیسم و نازیسم به منبع انرژی‌ها و سنت‌های ملی و بومی. در عمل استواری نورد به همراه سوم «بهرت‌ها» و بعد از این گزارش نژاد برقی می‌چیند مسو توسعه ظهور کرد این استواری به صورت انواع مختلفی از سوسیالیسم بومی «تجزیه‌ناشد» از جمله سوسیالیسم‌های غریبه‌های و افریایی و نیز در قالب طرح هزاره شد غیر سوسیالیست به نظریه سال ۱۹۶۳ جوانی نویز و انقلابی است بیشتر مطرح کرد.

بنیاد و آرمان سوسیالیسم‌های مختلفی، خصوصاً این است که سوسیالیسم‌ها را با «خداوند بودن» توضیح دهنده سوسیالیسم ما است. این

سوسیالیسم مخالف کاپیتالیسم است. کاپیتالیسمی که می‌گوید: بر پایه استثمار انسان توسط انسان، جامعه‌ای عادلانه بنا کند؛ به همین میزان هم مخالف سوسیالیسمی است که می‌خواهد بر اساس فلسفه سوسیالیست‌ها بر پایه انسان و انسان، جامعه‌ای عادلانه بنا کند. در این باره ما با دیگر نه‌نیز می‌بیند: «گروین» به سوسیالیسم اروپا و نه این که سوسیالیسم را به‌عنوان «بیک‌بند» هر دوی اینها در گذشته خود می‌بیند. تا نزد سر عقل جامعه‌شناسی که ما را به بار نهد. سوسیالیسم مشرق افریایی را می‌توان از میراث سنتی تفکر جامعه‌شناسی به سینه‌ساز واحد بنیادین خانواده و بیرون کشید.<sup>۱۹</sup>

جمال عبدالناصر، رشید جمعی، مصر، در منتشر سوسیالیستی اش، «ظیفای» چاپ سال ۱۹۶۲ و «لشکران غلامی» بود که سال ۱۹۶۸ از این کوه‌ها به فقر رسیدت هم خط فکری مشابهی را تریش گرفتند. در عرصه افکار این گرایش ایدئولوژیکی نژاد، خویش را در میان آن دسته از روشنفکران زان‌دکال جهان سوم می‌کند که در پی متمایز کردن خویش از شمار کم‌سوم می‌روند و نگاه کردن به میراث ایدئولوژیکی، به‌عنوان خودشان بودند. در قالب انگوری، خویش سوسیالیسم جهان سوم «انتقال داد» به‌عنوان مفهومی «سوسیالیسم» معنایی مختلفی داشته است. حکومت‌های یوگوسلاو، حکومت‌هایی شد که گرایش‌شان به تحصیل ایدئولوژی‌های ملی گرایانه و سیاست توسعه، و عدل اجتماعی‌شان منتهی به حمایت طبقه عامه (از گرگان، دهقانان و...) است اما هم‌چنان در چهار چوب دولت مستبد از سیاست‌های اقتصادی کاپیتالیسم دولتی حمایت می‌کنند. از سوی دیگر کاپوین کی‌چینگ از این اصطلاح برای توصیف مریض است توسعه‌های صنعتی کرد که به‌دلیل برای توسعه رسوم قدیمی از آن می‌کنند که یعنی توسعه صنعتی در ایجاد نظریه از طریق اولویت دادن به تولید در ایجاد خورد تا تولید در ایجاد کلاس، کشاورزی تا صنعت و توسعه روستایی شهری.<sup>۲۰</sup>

در ادبیات سوسیالیسم جهان سوم، «پلر جوسی» تحلیلی و ایدئولوژیکی است که امروزه از ملای برای «سوسیالیسم» خود سوسیالیستی ضد نظام صنعتی و فعالیت ضد کاپیتالیسم معرفی است. این دیدگاه، نگاه تعصب‌ناکه که ملت‌های جهان سوم را یکسو می‌کند، این می‌داند، که آنها با حفظ اقتصادی، سیاسی و به خصوص فرهنگی، وابستگی به کشورهای غربی دارند. به نظر می‌آید روشنفکران زان‌دکال جهان سوم در دوران پس از جنگ‌های جهانی به این دیدگاه ایدئولوژیکی جنگ ابتدا شدند، اگر چه که احتمالاً بسته به میزان وفاداری‌شان به اصول تعریفی حداقلاً صمیمت با نظام صنعتی، شد بت با کاپیتالیسم غیر زان‌دکال هم‌دیگر متفاوت شدند.

اما خصم‌ها این گرایش ایدئولوژیکی چه بود؟ شاید یک مشتاق از ادیان پولیستی باشد که جایگاهش در اصل بر می‌گردد به اقتصاددانی آمریکای لاتین همچون رادول برنیش در دهه ۱۹۶۰ این نظر به بعد از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به‌گوش اقتصاددانی چون آندره گوئدر فرانگ، میراث افریایی که توسط کارنوس و توتوتو نووین سوسو مسلط بر رات و محبوب شد. نظریه وابستگی امکان نقدی فراگیر و تحلیلی بر نظریه مسلط هم‌پوش‌نشده می‌فره‌م کرد که در نتیجه تضاد گامی جهان سوم می‌گفت این کشورها در حلقه‌ای طبیعی از سرو افکام جهانی‌شان در پیش به هر حلقه ولای همسرف کینه‌اند این نظر به تأکید می‌کرد که از این ابعاد نظریه‌ها و ادیان جهان سوم کشورهای پیشرفته کاپیتالیستی، این عجز را ترویج می‌کند، به‌عکس نظریه وابستگی. تضاد گامی جهان سوم (محیط) را به تضاد بین نظام کاپیتالیسم جهانی (مرکز) است. متنی‌ها، تضاد بین مابینی و نوسوت‌ها، افرا، استعمال و سوسیالیسم مشرق با این حال در تحلیل‌اش از روابط بین بر رابطه میان مرکز و محیط، و آمد تحلیل به‌عوض مفاهیم اجتماعی، بدل می‌شود. به‌عبارت دیگر «ملت‌ها» و «کشورها» بطوری در زان‌دکال وابستگی، کشورها با ملت‌های جهان سوم از سوی کشورهای پیشرفته کاپیتالیست استعمال شدند و به زیر سلطه آنها افتادند. دلالت این بار این بود برای مبارزه علیه سلطه مرکز، استواری اتحاد ملی است. یعنی اتحاد همه طبقاتی که یک کشور معرفی جهان سوم را حمله کند گزین. دهقانان، افرا، دانشجویان، طبقه متوسط، آدیو و جدید و هیوزاری

ملی و این استراتژی دلائل بر این دارد که طبقات عملی به منابع مختلف و اغلب متضادشان، باید با هم متحد شوند تا اتحادی ملی را برپا سازند. بنابراین، همبستگی شکل دهند. باین حال در صورت چنین اتحادی، اغلب منافع سیاسی و اقتصادی طبقات فرودست و حاکمان جامعه و فدائی طبقات غالب می شود. امتلا کارگران نباید علیه «متحدان» کاپیتالیست شدن انتخاب کنند. با روشنفکران نباید از حال ملی جانگوشا شد. کنند و غیره. با راهبایم بر شود و ایستگی واحدی مستقل ملی گرایان و بیولیسیم جهانی موسوم به روشنفکران را تشکیل و رهبران سیاسی کشورهایی در حال توسعه است.

باین حال بیولیسیم جهانی موسوم به معنای آمیزهای از ملی گرایان، ضدیت با کاپیتالیسم، خدمت با نظام صنعتی و رویکرد بدبینانه و نفی همزبان بارگسیسما و روشنفکران را تشکیل جهان سوم تا حد زیادی محصول شرایط سیاسی اجتماعی غربی، جوامع خودمختار بود. بیشتر این کشورها سابقاً مستعمر بودند. استقلال کاپیتالیست نابوری و برکنار بر پایه اجتماعی و اقتصادی تسلط گذاشته بود. در جنگ سنت ها و نظام های ارزشی موسوم شان را درگیر کردن بود. هجوم استقلال کاپیتالیست باعث کمزوری گرایشی به باز ماندن باین پس زمین شده بود. کاپیتالیسم معزوله هم نظامی اجتماعی اقتصادی و هم نمود صنعتی شدن و ظهوری غربی،<sup>۱۱</sup> و موسوم اتحاد ملی نیرومند علیه استقلال. ترواق حیات و روشنفکران را تشکیل صاحب این آمیزه از ملی گرایان و ضدیت با کاپیتالیسم (معرفه خصایص اینولوژی متضاد آنها است. بر این بیشتر، مفاهیم طبقه و مبارزه طبقاتی یا بحث اشاع مفاهیمی چون «فرهنگ» «حکمت» و «توده ها» می روند. با ظهوری غربی می شوند که متکلس طرح هو آمیزی ملی گرایان و ضدیت با کاپیتالیسم باشند. باقر این شرایط نیز به تعریف طبقه نه به مثابه نهادی اقتصادی بلکه در درجه نخست، نهادی سیاسی رسیده و روشنفکران راهم نیروی محرکه جامعه خوانند. جولوس نیرود هم متفاوت شده بود که مفهوم مبارزه طبقاتی<sup>۱۲</sup> در مورد جامعه های (همچون تانزانیا) که سلسله بر اصل او جامعه ای خانواده بودند است، به کار نمی آید و استدلال می آورد که در چنین جامعه های به عوض تسلط منافع میان اعضاء همگرای وجود ندارد.

کماکان عامل موسوم هرگز باز تعریف طبقات اجتماعی و در نتیجه غایب سیاست طبقاتی در اندیشه این روشنفکران نقش داشته. این کشورها کماکان غیر صنعتی بودند. طبقه کارگر صنعتی تنها کسز کوچکی از جمعیت را تشکیل می دادند. در حقیقت اکثریت غالب را توده های صاحب مشاغل نابهار با فروز دست (معمولاً «مقرره» و اکثریتشان دولت) تشکیل می دادند. باین پس زمینه محتمل بود که کلا همبستگی طبقاتی<sup>۱۳</sup> و مشخصاً سوسیالیسم مارکسیستی را بیولیسیم سیاست های ملی گرایانه در هم بشکنند.

باین که امپریالیسم مدرن و شرایط اجتماعی علمی جهانی موسوم، روشنفکران را تشکیل این کشورها را موسوم ملی گرایان، ضدیت با کاپیتالیسم و همبندی با راهبایم های اقتصادی مارکسیست همایون داد، سیاست عملی شوروی استالینیستی در دوران پس از جنگ های جهانی، ایده های استالینی سیاست ها را مارکسیسم پیروز کرد. این روشنفکران از سازش کاری اجتناب نمی نمودند. با طبقات حاکم کشورهای در حال توسعه نیز می بودند. به علاوه جشنین هوار حمله سال ۱۹۵۶ شوروی به مجارستان و بعد حمله سال ۱۹۶۸ آن به چکسلواکی ترسیده بودند و هم از سر کوب های استالینیستی درون خود انزاد می نمودند. بخشی از این روشنفکران که کماکان بی خبر از این اتفاقات بودند، بدل به مارکسیست هایی راسخ و سرسخت شدند. تعامل آنها این بود که با فداکاران استالینیستی را با هم جیب با توده های بوز و باس تکرار کنند. با به طریق مختلف برایشان توجه می نمودند.

مشهور است که در جهان سوم، دلائل سیاسی فوق العاده جهانی امپریالیسم غربی، در برابر سوسیالیسم استالینیستی شرقی، نظیر راسمی «خدمت» کشورهای غیر متعهد در سال ۱۹۶۱ بود. باین که در مورد موضوع غیر متعهد چندی از رهبران این جنبش بعدتر تردیدهای

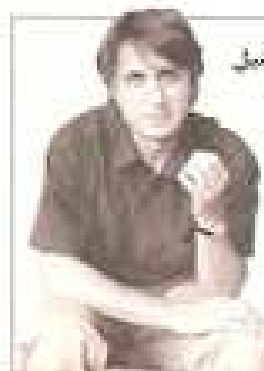
مختلف همبندان این با آن را دوگانه بشنودند. اما روشنفکران را تشکیل کماکان در جنبش و جوی سیاست اقتصاد و اینولوژی موسوم و اصل بودند. به خصوص در رویداد موسوم «السیو» فرهنگ غربی و فرهنگ جوان همزگشت به خویش<sup>۱۴</sup> می یافتند و بر عیوب ملی نظام های ارزشی موسوم و میراث فرهنگ غربی ناگوار می کردند. هم در امریکای لاتین و هم در ظاهر مبارزه از دین معزوله یک طرفه فرهنگ و بشمار، به صورت ترواقی برای مبارزه سیاسی استفاده شده. در آفریقا همچنان هم فرهنگ و بر سر مانده جامعه پیش از دوران استقلال، همین نقش را داشتند. باین حال در کشورهای آمریکای لاتین، به دلیل ساختار طبقاتی نسبتاً بیشتر فترشان، کاتولیسیسم را تشکیل و الیادها، راهبایم بخش شدن توشکوش و همسوی سیاست طبقاتی (امتلا موسوم، معمار کپیستی، سندیکالیزم و سندیکالیزم) را تشکیل می دادند. در جامعه نقش ایفا می کردند. اما در ظهور به همبندی اولی آنها کار او شکل گیری طبقه مغرب، بین و اثر گذاری اینولوژی اسلامی بسیار بیشتر از سیاست های طبقه غیر مغرب بود. در این کشورها، باستانهای تا حدی ترکیه و مراکش، به طبقات فرودست آن فرمی جالب هستند که نتوانند منافع و اعمال طبقه را به رابطه زبان، مفاهیم و نهادهای خاص خودشان میورند. در بیان کنند برای این کار مجبور شده اند. عناصری از فرهنگ و نهاد های فرهنگی سلطه را «وام» بگیرند. اسلام بدل به این فرم فرهنگی شد. بنابراین هم چون بسیاری همتهای جهان موسوم این امامت صورت پذیرد در کشور خودی، در معنی نیز، که همبستگی با سوسیالیسم فرهنگی مبارز و از خنثی آن آگاه بود. که در شرایط رقابت جهانی میل غرب کاپیتالیست و شرق همزگشت<sup>۱۵</sup> به جامعه خودی، پرداخته بود. که در محیط بی آفتاب غیر مغرب و نیمه استعماری آن رشد کرده بود. به دین (اسلام) متمول شد. به منزله یک اینولوژی و ارزشی فرهنگی که - به تعبیر او - همبندی میان توده های ایران ریشه می خورد است. او اسلام را با مفاهیم جامعه شناختی سیاسی غربی (همه آمار کپیستی) در آمیخت و صورتی شمعی اسلامی تا دانش را به مناره راهی برای رهبران و روشنفکران حادتر، عرضه کرد.

۹

ممکن است خوانندگان این نوشته تعجب کنند که چرا به موضوعات مطرح در این کتاب، «عالم کپیسم» و دیگر مفهومی های غربی<sup>۱۶</sup> پرداختیم. اگر صحت و مسندیت منش منحل تردید است. دلیل این است که ایده ها، گفتار و مسائل مطرح شده در این کتاب و نسبت داده شده به شرقی، اکنون مستقل از نویسندگان ارزش و جایگاهی یافته اند. شاید به لحاظ آوار ملی شرقی، این ایده ها میان جوانان مسلمان را تشکیل بر آید. به انسان و بنیاد نقد اسلامی تند و تیز و مدرن مارکسیسم بدل شده اند. این همه به کشور، در آن روزگار پیش از انقلاب ایران، چنین متن هایی (ترواق خود همین متن مورد بحث) بودند که گروه های مسلمان را تله می کردند و نیرو می دادند. حقیقت این است که این خیالات، تجربه ها، همه این چیزهایی «غیر واقعی» و «غیر معنیور» واقعاً وجود دارند و حاصل دلائل علمی واقعی و - کلام بسیار جدی اند. بدین معنا نقد امپریالیسم و «غیر مغرب» کاری است درست.

یادداشتها

- ۱- در انسان گرایان حادی
- ۲- اندویشی و اندویشی
- ۳- شین و آنتی بین
- ۴- شده به حال آنرا حد
- ۵- روشنفکران و فرهنگ
- ۶- وایستی کشورهای جهان سوم
- ۷- به طور خاص
- ۸- فرهنگ
- ۹- همین
- ۱۰- که اندو
- ۱۱- در شرایط
- ۱۲- چه
- ۱۳- یک
- ۱۴- استالینیسم
- ۱۵- استالینیسم
- ۱۶- استالینیسم
- ۱۷- استالینیسم
- ۱۸- استالینیسم
- ۱۹- استالینیسم
- ۲۰- استالینیسم
- ۲۱- استالینیسم
- ۲۲- استالینیسم
- ۲۳- استالینیسم
- ۲۴- استالینیسم
- ۲۵- استالینیسم
- ۲۶- استالینیسم
- ۲۷- استالینیسم
- ۲۸- استالینیسم
- ۲۹- استالینیسم
- ۳۰- استالینیسم
- ۳۱- استالینیسم
- ۳۲- استالینیسم
- ۳۳- استالینیسم
- ۳۴- استالینیسم
- ۳۵- استالینیسم
- ۳۶- استالینیسم
- ۳۷- استالینیسم
- ۳۸- استالینیسم
- ۳۹- استالینیسم
- ۴۰- استالینیسم
- ۴۱- استالینیسم
- ۴۲- استالینیسم
- ۴۳- استالینیسم
- ۴۴- استالینیسم
- ۴۵- استالینیسم
- ۴۶- استالینیسم
- ۴۷- استالینیسم
- ۴۸- استالینیسم
- ۴۹- استالینیسم
- ۵۰- استالینیسم
- ۵۱- استالینیسم
- ۵۲- استالینیسم
- ۵۳- استالینیسم
- ۵۴- استالینیسم
- ۵۵- استالینیسم
- ۵۶- استالینیسم
- ۵۷- استالینیسم
- ۵۸- استالینیسم
- ۵۹- استالینیسم
- ۶۰- استالینیسم
- ۶۱- استالینیسم
- ۶۲- استالینیسم
- ۶۳- استالینیسم
- ۶۴- استالینیسم
- ۶۵- استالینیسم
- ۶۶- استالینیسم
- ۶۷- استالینیسم
- ۶۸- استالینیسم
- ۶۹- استالینیسم
- ۷۰- استالینیسم
- ۷۱- استالینیسم
- ۷۲- استالینیسم
- ۷۳- استالینیسم
- ۷۴- استالینیسم
- ۷۵- استالینیسم
- ۷۶- استالینیسم
- ۷۷- استالینیسم
- ۷۸- استالینیسم
- ۷۹- استالینیسم
- ۸۰- استالینیسم
- ۸۱- استالینیسم
- ۸۲- استالینیسم
- ۸۳- استالینیسم
- ۸۴- استالینیسم
- ۸۵- استالینیسم
- ۸۶- استالینیسم
- ۸۷- استالینیسم
- ۸۸- استالینیسم
- ۸۹- استالینیسم
- ۹۰- استالینیسم
- ۹۱- استالینیسم
- ۹۲- استالینیسم
- ۹۳- استالینیسم
- ۹۴- استالینیسم
- ۹۵- استالینیسم
- ۹۶- استالینیسم
- ۹۷- استالینیسم
- ۹۸- استالینیسم
- ۹۹- استالینیسم
- ۱۰۰- استالینیسم



آصف بیات متولد ۱۳۳۰ در یکی از روستاهای اطراف تهران است. فارغ التحصیل رشته علوم سیاسی از دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی تهران. تحصیلات تکمیلی اش را در دانشکده کتب دانشگاه کنت انگلستان ادامه داد و بعد صدمت ۲۷ سال استاد دانشگاه آریزونا ایالات متحده بود. او کتاب سیاست خلیج، جنبش نهبدستان در ایران به فارسی منتشر شده از دیگر کتاب های اشنگر گران و افلاک در ایران، کفر و سیاست و قدرت، دیو گرا، یک کورن اسلام، جنبش های اجتماعی و چرخش اسلام، ویژه گمی، هم چون سیاست چگونه در تعدادی کشور صاعه را تغییر دادند، آگاهی بیات اکنون است. جامعه شناسی و مطالعات خاور صاعه در دانشگاه آریزونا ایالات متحده است.